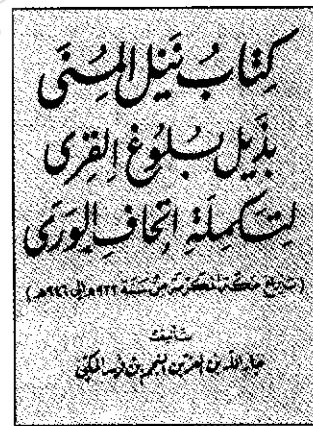


معرفی‌های اجمالی

کتاب نیل المنی بذیل بلوغ القری لتکملة اتحاف الوری، جارالله بن العز بن النجم بن فهد المکی، تحقیق: محمد الحیب الهیلة، مکه مکرمه، ۲۰۰۲، ج ۲، ص ۱۰۲۵.

پژوهشگران از آگاهی‌ها و اطلاعات بیش تری نسبت به دیگر شهرهای اسلامی برخوردارند. گرچه پایتخت و مرکز استقرار سلسله‌های حاکم به تبع توجه و عنایت آنان در مقاطعی از تاریخ مورخانی را به نگارش تاریخ آن شهرها واداشته است، اما هیچ شهری چون مکه مدام مورد توجه نبوده است. از جمله کتاب‌هایی که به شکل روزشمار مقطع کوتاهی از تاریخ مکه، یعنی بین سال ۹۲۲ هـ. ق. تا ۹۴۶ ق را به مدت بیست و چهار سال - به ثبت رسانده، کتاب ارزشمند «کتاب نیل المنی بذیل بلوغ القری لتکملة اتحاف الوری»، از جارالله بن العز بن النجم بن فهد المکی است، که در سال ۲۰۰۰ به تحقیق محمد الحیب الهیلة استاد پژوهش‌های تاریخ و تمدن در دانشگاه ام‌القری در مکه مکرمه و با عنایت و تشویق مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامی شاخه مکه و مدینه به زیور طبع آراسته شده است. این نکته را یادآور می‌شوم که مؤسسه الفرقان که به همت شیخ زکی یمانی - وزیر نفت اسبق عربستان سعودی - در لندن پایه‌گذاری شده است، از مؤسسه‌های قابل تقدیری است که همت خود را بر گردآوری و نشر تراث اسلامی و حفظ آن از تباهی در کوران حوادث و اتفاقات متمرکز کرده و کارهای سودمندی در این راستا انجام داده است که تحقیق و نشر این کتاب یکی از آن کارهای مفید است.

درباره تاریخ مکه به ویژه در قرن نهم و دهم هجری، آثار ارزشمندی تألیف شده است و دست کم پنج تن از دانشوران آن



مکه مکرمه به عنوان شهر مقدس و مورد احترام مسلمانان در طول تاریخ، همواره مورد توجه و عنایت بوده است. سلسله‌ها، حاکمان، امیران، اشراف، اندیشوران، با هر نوع نگرش و طرز رفتار و کردار، به نوعی با مکه و تاریخ آن، خود را گره می‌زدند. از این رو تاریخ مکه بازتابی در مقیاس کوچک‌تر از حوادث مهم جهان اسلام به شمار می‌آید و به همین خاطر نویسندگان و اهل قلم ساکن مکه مکرمه و یا زائران و حاجیانی که به قصد زیارت به آن جا مشرف می‌شدند، حوادث و اتفاقات این شهر را می‌نگاشتند. از این رو در خصوص مکه مکرمه مورخان و

زبانی قابل توجهی به جا گذاشته است. این تأثیرات که در شکل ورود لغت‌ها و واژه‌های ترکی و فارسی که در زبان ترکی به وفور وجود داشت، به زبان عربی نمود یافته، زمینه پژوهش و تحقیق مناسبی را می‌گشاید. در این کتاب واژه‌های دخیله فراوانی می‌توان یافت که در حوزه‌های گوناگون زبان اجتماعی مردم و به ویژه در حوزه‌های مدیریتی وارد شده است.

۵. در کتاب از مشاغل و عناوین و طبقات بسیاری یاد شده است که باز برای مطالعات جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی عصر مزبور سودمند است.

۶. از جمله نکات ارزشمند در این کتاب، یادکرد از غذاها، میوه‌ها، تنقلات، لباس‌ها و تزئینات متداول بین مردم است. استخراج و بررسی این قبیل اطلاعات، به ویژه با توجه به نام‌های وارداتی آن‌ها تا حدود زیادی روابط اقتصادی-فرهنگی بین مکه و دیگر شهرها را می‌تواند نشان دهد.

۷. تعیین دقیق بعضی از محلات، قبور، ضریح‌ها، مدارس، مساجد و مکان‌های تاریخی که در پی حاکمیت اندیشه متحجرانه و هابیت از بین رفته است، ما را در پژوهش‌های جغرافیایی مکه کمک می‌کند. به عنوان نمونه وی از حمامی به نام حمام النبی (ص)، از ضریح قبر خدیجه کبری (۴۰، ۴۳، ۲۴۱)، ضریح عبدالله بن زبیر (۲۴۱) شعب بنی هاشم و جایگاه تولد پیامبر (ص) (۵۶، ۴۹۶، ۶۵۱) شماری از بازارهای معروف مکه، گنبدهایی که بر روی قبور افراد بنا شده بود، یاد می‌کند که برای پژوهش‌های تاریخی بسیار لازم و ضروری است.

۸. نگرش‌های رایج مردم درباره‌ی پاره‌ای از مذاهب خارج از حوزه مذاهب اهل سنت، از قبیل شیعه و نیز پاره‌ای از گرایش‌های فرقه‌ای از قبیل گونه‌های تصرف گزارش شده است که برای پژوهش‌های مذهب‌شناسی تاریخی مفید و ضروری است.

۹. مقررات مالی، نوع کمک‌ها به متصدیان مشاغل، موقوفات و مسائل از این دست آمده است که برای پژوهش‌های تاریخی مورد نیاز می‌باشد.

۱۰. وضع اقتصادی، ارزانی و گرانی، تأثیر درگیری‌های جهانی در زندگی روزمره مردم از جمله اطلاعاتی است که به وفور در این کتاب یافت می‌شود.

۱۱. قضاوت‌ها و داوری‌ها به خصوص در مورد عقاید و باورها تا حدود زیادی جو دینی حاکم بر جامعه و به خصوص نگرش‌های برای مبارزه‌های فرقه‌ای و گاه شخصی را نشان می‌دهد.

این کتاب بر پایه نسخه موجود از آن که نزدیک به زمان حیات مؤلف از روی نسخه مؤلف نوشته شده است، تحقیق و تصحیح

روزگار، عنایت خاصی به این موضوع کرده‌اند. این پنج تن عبارتند از: تقی فاسی، شاگرد وی نجم‌الدین عمر بن محمد بن فهد مکی مؤلف کتاب اتحاف الوری بأخبار ام القرى؛ فرزند نجم‌الدین العز بن فهد نویسنده «بلوغ القرى بذیل اتحاف الوری بأخبار ام القرى» که کار پدرش را از تاریخ ۸۸۵ق تا تاریخ ۹۲۲ق پی گرفت. پس از وی فرزندش جارالله بن فهد مؤلف کتاب مورد بحث یعنی نیل المنی که از تاریخ فوق تا ۹۴۶ق کار را ادامه داد. در نهایت پنجمین نفر در این قرن قطب‌الدین نهر والی است که کتاب «الإعلام بأعلام بلد الله الحرام» را نگاشت.

جارالله بن فهد آثار فراوان در حوزه تاریخ و حدیث و دیگر علوم دارد که محقق بزرگوار کتاب، در مقدمه ۴۹ عنوان از آن‌ها را یادآوری کرده است و از جمله این آثار همین کتاب «نیل المنی» است. این کتاب از چند زاویه شایان توجه است:

۱. کتاب سلسله‌ای از تاریخ روزشمار مکه را که توسط پدر بزرگ مؤلف از سال ۸۸۵ق آغاز شده بود تکمیل کرده و آن را به سال ۹۴۶ق می‌رساند و در واقع شصت و یک سال تاریخ مکه به طور دقیق و روزانه گزارش شده است که برای پژوهشگران حوزه تاریخ حائز اهمیت فراوان است.

۲. کتاب، شامل حوادث روزانه عصری است که کم‌کم قدرت ممالیک و امیران نقصان پیدا می‌کند و حاکمیت عثمانی از طریق مصر بر مکه استوار می‌گردد. این انتقال قدرت به دنبال خود تأثیرهای جدی در بروز حوادث و اتفاقات روزانه می‌نهد که حایز اهمیت است. در این دوره مذهب شافعی که در گذشته از سیطره بالایی برخوردار بود و بیش تر خانواده‌های مکه شافعی مذهب بودند، رو به افول می‌گذارد و مذهب حنفی که مورد حمایت دولت عثمانی بود، قدرت می‌گیرد. تقابل جدی بین فرهنگ عربی و فرهنگ وارداتی ترکی به وجود می‌آید. اندیشه برتری نژاد ترک بر عرب و لوازم چنین اندیشه‌ای، خود را نشان می‌دهد. درگیری بین فقیهان، قاضیان و متصدیان امور دینی به علت وابستگی جریانی از آنان به حاکمیت عثمانی و مخالفت جریان دیگر فزونی می‌گیرد و فضایی از تخطئه، تفسیق، تکفیر و اتهام بر مکه حاکم می‌شود. مؤلف همه این قبیل حوادث را گزارش کرده است که برای بررسی‌ها و پژوهش‌های تاریخی در حوزه فرهنگ و تمدن و مذهب بسیار مفید و رهگشا است.

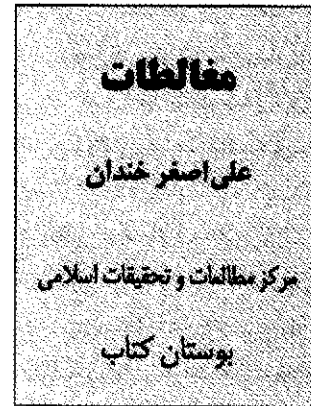
۳. در این کتاب حوادث روزانه زندگی عادی مردم و به ویژه عادات و رسوم مردم و اشراف در مراسم اعیاد، عروسی‌ها و عزاها، استقبال‌ها و بدرقه‌ها یاد شده است که برای پژوهش‌های جامعه‌شناس تاریخی سودمند است.

۴. ورود عنصر ترکی به مدیریت جامعه به همراه خود تأثیرات

گشته و گویا ناسخ آن به خاطر عدم تسلط بر زبان و خط مؤلف مواردی را نتوانسته بخواند و در نتیجه بخش‌های اندکی را سفید گذاشته است و در مواردی واژه‌ها را به نظر خود اصلاح کرده که موجب ورود اغلاطی به کتاب شده است و محقق این موارد را اصلاح و در پاورقی گزارش کرده است.

محمدعلی سلطانی

مغالطات، علی اصغر خندان، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی، بوستان کتاب قم.



عموماً گفته می‌شود که وجه تمایز انسان از سایر موجودات عالم هستی، توانایی او بر تفکر است. به همین دلیل نیز در تعریف انسان نطق (تفکر) را لحاظ کرده‌اند. همان‌گونه که منطبق دانان نیز توجه داده‌اند، مراد از تفکر، آن نوع توانایی است که براساس آن انسان می‌تواند برای کشف مجهولات خویش، معلومات پیشین (مبانی و مبادی) خود را پایه و اساس قرار داده و با دو روش تحلیل یا ترکیب، حدوسط را کشف کرده و دست به استنساخ زند. به اعتقاد بسیاری از منطبق دانان چنین کاری تنها با ادراک کلیات و سیر ذهن از کلی به جزئی ممکن است؛ امری که سایر موجودات از آن عاجزند.

آدمی به اقتضای ذات و سرشت خویش، دست به استنتاج (تفکر) می‌زند و عمل استنتاج خواه آدمی بداند یا نداند، لامحاله براساس قواعد و اصولی صورت می‌گیرد، اما این بدان معنا نیست که در تفکر خطا صورت نمی‌پذیرد. راه یافتن خطا در تفکر، دست کم در دانسته‌های حصولی بشر، امری مسلم و انکارناپذیر است، اما پیش‌گیری از خطا نیز امری محال نیست. بدین ترتیب شاید بتوان گفت مهم‌ترین کار بشر آن است که سازوکاری بیابد تا بتواند از خطای فکر جلوگیری کند. نخستین بار دانای یونانیان، ارسطو ادعا کرد که مجموعه‌ای از قوانین و قواعدی را تنسیق، تنظیم و تدوین کرده است که شناخت و رعایت آن‌ها

تفکر را از ابتلا به خطا حفظ می‌کند. این مجموعه بعدها نام «ارغنون» به خود گرفت.

فراگرفتن منطق دو جهت دارد: یکی این که با دانستن قواعد و قوانین منطقی می‌توان درست فکر کرد و به طور صحیح بر مدعای خویش برهان و دلیل اقامه کرد؛ دیگر این که از وقوع خطا در تفکر جلوگیری کرد و خطای عمدی و غیر عمدی فکر دیگران را شناخت. به همین دلیل و به درستی، منطق دانان توجه داده‌اند که منطق همچون علم طب است که طیب هم باید غذای نافع برای صحت جسم را بشناسد و هم سموم و آفات غذا را. (المنطق، محمدرضا مظفر، دارالمعارف، لبنان، ۱۴۰۲ق، ص ۳۰۸) وضع صفت مغالطه در منطق به منظور شناخت آفات و خطاهای فکر بوده است و به نظر می‌رسد که اگر نوآموزان منطق در فراگیری آن از بحث مغالطات آغاز کنند، با اشتیاق بیش‌تری به تعلّم آن مبادرت کرده، فایده آن را به سهولت خواهند یافت.

تردیدی نیست که شناخت مغالطه و انواع آن از اهمیت بسیار برخوردار است؛ به ویژه اگر به این نکته توجه کنیم که بشر دوره معاصر از شیوه‌ها و ابزارهای بسیار پیچیده‌ای برای القای افکار خویش بهره می‌برد و چه بسا در راه رسیدن به اهداف خود از مغالطه نیز به مثابه یک ابزار استفاده می‌کند. انسان دوره معاصر کتاب، تلویزیون، مطبوعات، رایانه... و هزاران وسیله پیچیده را در اختیار گرفته است و به طور طبیعی هر چه وسایل عرضه تفکر پیچیده‌تر باشد، شناخت خطای تفکر نیز دشوارتر است. به همین دلیل کتاب‌هایی مورد نیاز است که علاوه بر تعلیم منطق به مثابه مجموعه‌ای از قواعد و قوانین، راه استفاده صحیح از آن‌ها را نیز تعلیم دهد، و با بهره‌گیری از مثال‌های محسوس و ملموس، انواع مغالطه‌هایی را که ممکن است در تفکر راه یابد، برای خوانندگان روزگار ما بیان کند. در باب منطق و مغالطات، گرچه کتاب‌های تعلیمی در فرهنگ ما وجود دارد، اما کتاب‌هایی که علاوه بر جهت تعلیم و شناخت مسائل منطقی به جنبه مهارت آن نیز توجه کند، کم است یا اصلاً وجود ندارد.

مؤلف محترم کتاب مغالطات تلاش کرده است تا با بهره‌گیری از کتاب‌هایی که در این زمینه در مغرب زمین تألیف شده است، خلاصه مذکور را پر کرده، کتابی مناسب با نیازهای جامعه علمی-فرهنگی در این زمینه عرضه کند. سعی اش مشکور باد. اکنون گزارشی اجمالی از محتوای کتاب را تقدیم خوانندگان می‌کنیم.

کتاب مغالطات دارای یک مقدمه و هفت فصل است که در پایان هر فصل، مجموعه‌ای از تمرین‌های مربوط و متناسب با مغالطات مذکور در آن فصل آورده شده است و در پایان کتاب

فلسفی کلمه که مستلزم بیان علت است. به هر تقدیر ذیل فصل اول، ۲۱ مغالطه ذکر شده است. آنچه این ۲۱ مغالطه را ذیل عنوان مذکور قرار می‌دهد و به تعبیر بهتر، جامع این ۲۱ مغالطه، این است که به نحوی محل وقوع آن‌ها مقام توضیح و توصیف است. فهرست مغالطه‌های مذکور عبارت است از: مغالطه اشتراک لفظ- مغالطه ابهام ساختاری- مغالطه ترکیب مفصل، مغالطه واژه‌های مبهم، مغالطه گزاره‌های بدون سور، مغالطه سورهای کلی‌نما، مغالطه تعریف دوری، مغالطه کنه و وجه، مغالطه علت جعلی، مغالطه بزرگ‌نمایی، مغالطه کوچک‌نمایی، مغالطه‌های آماری متوسط، مغالطه‌های آماری نمودارهای گمراه‌کننده، مغالطه‌های تصاویر یک‌بعدی، مغالطه دروغ، مغالطه توریه، مغالطه نقل قول ناقص، مغالطه تحریف، مغالطه تفسیر نادرست، و مغالطه تأکید لفظی. فصل اول با ۸ کاریکاتور مناسب و ۲۲ تمرین و یک تصویر مغالطی پایان می‌پذیرد.

فصل دوم که تحت عنوان کلی «ادعای بدون استدلال» صورت‌بندی شده، به مغالطه‌هایی اختصاص یافته است که مغالطه‌کننده به جای اقامه حجت و استدلال از ترفند مغالطه استفاده می‌کند تا مطلب خود را به مخاطبان بقبولاند. ذیل این فصل ۱۹ مغالطه به شرح زیر آمده است:

مغالطه تبیین راه استدلال، مغالطه هر بچه مدرسه‌ای می‌داند، مغالطه مسموم کردن چاه، مغالطه تله‌گذاری، مغالطه توسل به جهل، مغالطه طلب برهان از مخالفان، مغالطه طرد شقوق دیگر، مغالطه تکرار، مغالطه فضل‌فروشی، مغالطه کمیت‌گرایی، مغالطه بار ارزشی کلمات، مغالطه توسل به احساسات، مغالطه تهدید، مغالطه تطمیع، مغالطه جلب ترحم، مغالطه آرزواندیشی، مغالطه عوام‌فریبی، مغالطه توسل به مرجع کاذب، و مغالطه تجسم.

در فصل دوم نیز از ۲۳ تمرین و ۷ کاریکاتور استفاده شده است.

فصل سوم به مغالطه‌هایی اختصاص یافته است که محل وقوع آن‌ها «مقام نقد» است. چنان که در مقام اثبات یک مدعا باید دلیل اقامه کرد، در مقام ردّ و نفی یک مطلب نیز باید استدلال کرد. حال اگر کسی در مقام نقد یا رد مطلبی به جای استدلال به ترفند و حيله متوسل شود، دچار مغالطه شده است.

ذیل این فصل ۱۷ مغالطه آمده است: مغالطه پارازیت، مغالطه حرف شما مبهم است، مغالطه تکذیب، مغالطه این که چیزی نیست، مغالطه این که مغالطه است، مغالطه انگیزه و انگیزه‌ناخته، مغالطه توهین، مغالطه منشأ، مغالطه پهلوان‌پنبه، مغالطه کامل‌نامیسر، مغالطه ارزیابی یکطرفه، مغالطه خلط علت و دلیل،

پاسخ همه بهترین‌های آخر هر فصل ضمیمه شده است. یکی از مزایای کتاب مغالطات، وجود تمرین‌های آخر هر فصل و بهره‌گیری مؤلف از مثال‌های متداول و دم‌دست برای خواننده است. هم‌چنین وجود تصاویر و کاریکاتورهای مناسب بر مزایا و محاسن کتاب افزوده است.

مؤلف در مقدمه تلاش کرده است توجه خواننده را به این نکته جلب کند که منطق علاوه بر این که علم است، فن نیز هست و خواننده منطق علاوه بر فراگرفتن و دانستن علم منطق باید به تمرین، ممارست و مهارت در به کار بردن آن نیز مبادرت ورزد. او هم‌چنین به این نکته تاریخی در مقدمه اشاره کرده است که بحث مغالطات در حقیقت خاستگاه منطق است و به اعتقاد نویسنده کتاب، مبارزه با مغالطه‌هایی که سوفسطاییان انجام می‌دادند، منشأ تدوین علم منطق شده است. شاید مراد مؤلف محترم این باشد که رد استدلال سوفسطایی منتهی به تنسیق و تدوین مغالطات گردید و گرنه پیدایش منطق به مثابه یک علم، یکسره معلول رد استدلال‌های سوفسطاییان نیست.

در مقدمه کتاب پس از تعریف مغالطه، تاریخچه بسیار مختصری نیز از سیر بحث مغالطه عرضه شده است که شاید بیش‌تر هدف مؤلف آشنایی خواننده با بعضی از کتاب‌های منطقی باشد که به طور مستقل در باب مغالطه نگاشته شده یا بخشی از آن به بحث مغالطه اختصاص یافته است. مقصود این که مؤلف در صدد بحث و بررسی همه‌جانبه سیر تطور مغالطه در منطق نبوده است و سرانجام مؤلف ویژگی‌های کتاب مغالطات را بر شمرده است.

به اعتقاد مؤلف کتاب دو ویژگی عمده دارد: یکی این که گرچه عمده‌تأ از کتاب مغالطات نوشته مادسن پیری اقتباس شده است، اما مؤلف صرفاً دست به ترجمه و یا گزارش کتاب نزده است، بلکه با مراجعه به کتب دیگر تلاش کرده است هم مغالطه‌های بیش‌تری را بر شمارد و هم مثال‌های بومی، محسوس و ملموس و مناسب با فضای فکری-فرهنگی جامعه ما عرضه کند. ویژگی دوم کتاب این است که در طبقه‌بندی مغالطات از شیوه معمول در کتب منطقی پیروی نشده است، بلکه به دلیل سهولت در امر تعلیم شیوه دیگری برگزیده شده که خواننده به آسانی می‌تواند نوع مغالطه را تشخیص داده و هر کدام را در طبقه مخصوص خود جای دهد.

فصل اول کتاب که با عنوان «تبیین‌های مغالطی» مشخص شده است، به بیان آن نوع مغالطه‌هایی اختصاص یافته که ممکن است در توضیح یک گزاره و شرح و بیان یک مطلب و نه استدلال بر آن رخ دهد. باید توجه کرد که مراد مؤلف محترم از تبیین در عنوان مذکور، شرح و توصیف است، نه تبیین به معنای فنی و

مغالطه رد دلیل به جای رد مدعا، مغالطه مناقشه در مثال، مغالطه تخصیص، مغالطه بهانه، مغالطه سؤال مرکب.

در لابه لای فصل سوم نیز ۶ کاریکاتور آمده و در پایان فصل ۲۶ تمرین آورده شده است.

فصل چهارم با عنوان «مغالطات مقام دفاع» مشخص شده است. در این فصل مغالطه‌هایی مورد بحث قرار گرفته است که شخص ممکن است در مقام دفاع و پاسخ‌گویی به پرسش‌ها یا نقدهایی که از او صورت گرفته است، مرتکب آن‌ها شود. ذیل این فصل ۱۱ مغالطه با نام‌های زیر آمده است:

مغالطه نکته انحرافی، مغالطه شوخی بی ربط، مغالطه توسل به واژه‌های مبهم، مغالطه توسل به معنای تحت‌اللفظی، مغالطه تغییر تعریف، مغالطه تغییر موضع، مغالطه استثنای قابل چشم‌پوشی، مغالطه خودت هم، مغالطه تبعیض طلبی، مغالطه رها نکردن پیش فرض، مغالطه البته اما.

در پایان فصل چهارم ۱۷ تمرین و در لابه لای آن ۴ کاریکاتور آمده است.

بر اساس معیار و ملاکی که مؤلف بر اساس آن انواع مغالطه را طبقه‌بندی کرده است، فصل‌های چهارگانه مذکور به مغالطه‌هایی اختصاص یافته‌اند که مغالطه در مقام بیان، تبیین، نقد و دفاع از یک مدعا ممکن است رخ دهد، اما مغالطه‌کننده دست به استدلال نمی‌زند، بلکه به جای استدلال حيله یا ترفندی به کار می‌گیرد؛ اما سه فصل بعدی کتاب به مغالطه‌هایی اختصاص یافته است که مغالطه‌کننده، استدلالی را صورت‌بندی می‌کند و در استدلال خود مرتکب مغالطه می‌شود.

فصل پنجم و ششم و هفتم کتاب، ذیل عنوان کلی «مغالطه در استدلال» آورده شده‌اند و هر فصلی علاوه بر عنوان عام، عنوان اختصاصی نیز دارد.

فصل پنجم با عنوان اختصاصی «مغالطات صوری» به بیان مغالطه‌هایی اختصاص یافته است که شخص در صورت استدلال مغالطه می‌کند، و به عبارت دیگر شرایط صوری استدلال را رعایت نمی‌کند. ذیل این فصل ۸ مغالطه با نام‌های زیر آورده شده است: مغالطه عدم تکرار حدوسط، مغالطه وضع تالی، مغالطه رفع مقدم، مغالطه مقدمات منفی، مغالطه مقدمات ناسازگار، مغالطه افراد غیر موجود، مغالطه ابهام انعکاس، و مغالطه سوء تألیف.

این فصل با ۱۲ تمرینی که در پایان آن آمده، پایان یافته است. فصل ششم که با عنوان اختصاصی «مغالطات ناشی از یک پیش فرض نادرست» صورت‌بندی شده، به مغالطه‌هایی اختصاص یافته است که شخص استدلال می‌کند که گرچه صورت استدلال

صحیح است، اما مقدماتی که در آن به کار رفته‌اند، درست نیستند؛ فی‌المثل از پیش فرض‌های نادرستی در یکی از مقدمات بهره می‌برد. در این فصل ۱۳ مغالطه ذکر شده است که عبارتند از:

مغالطه سنت‌گرایی، مغالطه عدم سابقه، مغالطه تجرد، مغالطه سنت‌گریزی، مغالطه برتری فقر، مغالطه برتری ثروت، مغالطه توسل به اکثریت، مغالطه علت شمردن امر مقدم، مغالطه علت شمردن امر مقارن، مغالطه ترکیب، مغالطه تقسیم، مغالطه میانه‌روی، مغالطه قماربازان. در این فصل ۶ کاریکاتور و ۲۴ تمرین آمده است.

فصل هفتم و فصل پایانی کتاب با عنوان اختصاصی «مغالطات ربطی» به مغالطاتی اختصاص یافته است که صرف نظر از مغالطات صوری و مغالطات ناشی از یک پیش فرض خطا، رابطه مقدمات و نتیجه استدلال، ضعیف و غیر قابل دفاع است. در فصل هفتم ۱۲ مغالطه با عنوان‌های زیر آورده شده است:

مغالطه قیاس مضمر مردود، مغالطه یا این یا آن، مغالطه ذوالحدین جعلی، مغالطه خلط نسبت، مغالطه دلیل نامربوط، مغالطه مصادر به مطلوب، مغالطه استدلال دوری، مغالطه تقسیم شتاب زده، مغالطه‌های آماری نمونه ناکافی، مغالطه‌های آماری نمونه غیر تصادفی، مغالطه‌های آماری علوم واقع‌نمایی نمونه‌ها، و مغالطه تمثیل. فصل هفتم با دو کاریکاتور و ۱۶ تمرین به پایان رسیده است.

کتاب مغالطات با پاسخ‌نامه تمرین‌های هر فصل و ذکر منابع مورد استفاده مؤلف به پایان می‌رسد. خواننده کتاب مغالطات ضمن فراگرفتن ۱۰۱ مغالطه، با مثال‌های ملموس و محسوس بسیاری نیز آشنا می‌شود که به مهارت یافتن در شناخت و کشف مغالطه سخن‌دیگران و پرهیز از مغالطه در سخن خویش کمک خواهد کرد.

مؤلف محترم با تألیف کتاب مغالطات ضمن پاسخ‌گفتن به نیاز جامعه علمی-فرهنگی خویش، در جهت غنی‌سازی فرهنگ مکتوب ملی نیز گامی برداشته است. امیدواریم که مؤلف در کارهای علمی-فرهنگی خود بیش از این موفق باشد. هدف این نوشته معرفی کتاب ارزشمند مغالطات است. طبیعی است که بر شمردن محاسن و کاستی‌های کتاب مجال دیگری طلب می‌کند. امیدواریم در چاپ‌های بعدی کتاب ضمن اصلاح پاره‌ای از اغلاط مطبعی، مؤلف محترم با بازنگری و اصلاح تداخل‌هایی که در عنوان بعضی مغالطه‌ها صورت پذیرفته و استقصا و استیفای بیش‌تر انواع مغالطه، بر محاسن و کمال هر چه بیش‌تر کتاب بیافزاید.

موسوعه فقه اسلامی طبق مذهب اهل بیت (ع)، تألیف و تحقیق: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، مؤسسه دائرة المعارف، ۱۴۲۳ هـ، ج ۱، ص ۵۰۴، رحلی.



اکنون که به تازگی پس از چند سال تلاش پیگیر و توانفرسا و انتظار اهل فضل و تحقیق و حمایتهای بی دریغ مادی و معنوی مقام معظم رهبری دام ظلّه الوارف جلد اول موسوعه فقه اسلامی بر طبق مذهب اهل بیت (ع) به گنجینه کتب اسلامی پیوسته، شایسته است که این اثر گرانبسنگ را به دانش پژوهان حوزه و دانشگاه معرفی نماییم. از این رو ابتدا مطالب آن را به اجمال بررسی نموده و سپس به خصوصیات ممتاز این کتاب می پردازیم.

بررسی مطالب کتاب:

اولین قسمت، مقدمه مفصل کتاب است که به تحقیق ارزشمندی در باره فقه اهل بیت (ع) در دو محور پرداخته است: محور اول: تعریف فقه اهل بیت (ع) که دارای این نکات است: اول: تعریف فقه و اجتهاد در لغت و اصطلاح نظر اهل بیت (ع) در باره اجتهاد رای و تاکید بر مردود بودن آن در قوانین الهی، شدت انکار بر کسانی که دین الهی را مستهزم به نقص کرده اند و یا در احکام قضات و اهل فتوی معتقد به تصویب شده اند، گرایش منفی اهل بیت (ع) نسبت به ممانعت از نقل سنت پاک نبوی و نشر و تدوین آن پس از رحلت رسول گرامی اسلام (ص)، اشاره به عللی که باعث رونق حوزه رای شد که یکی از آنها این است که شروع مرحله فتوی و رای در این حوزه ها قبل از تصنیف مجامع حدیثی بوده است بدون استنباط از احادیث و تسلط کامل بر آنها بر عکس فقه امامیه که شروع مرحله اجتهاد فقهی بعد از تکامل و اجتماع احادیث در طی سه قرن صورت گرفته است.

دوم: اشاره به ده مورد از ویژگی های فقه اهل بیت (ع).

سوم: تاریخ فقه اهل بیت (ع) و سیر تاریخی آن در چند مرحله: الف- مرحله فقه روایات یا مرحله صدور که از امام علی (ع)

شروع و به امام دوازدهم (ع) ختم می گردد که این مقطع طولانی قریب به سه قرن شده است و به همین دلیل فقه اهل بیت (ع) را مشحون از نصوص شرعی دانسته و برای تبیین وسعت محدوده آن آمار برخی از روایات هر امام و مجموع روایات صادره از آنها ارائه گردیده است.

ب- مرحله فقه اجتهادی یا عصر اجتهاد از اتمام دوران غیبت کبری در سال ۳۳۹ تا امروز که شش دوره را پشت سر گذاشته است. محور دوم: معرفی موسوعه فقهی بر طبق مذهب اهل بیت (ع) که بحث های ذیل را در بردارد:

تعریف اصطلاح «موسوعه». خواستگاه تدوین موسوعه فقهی. ویژگی های روش دائرة المعارفی و موسوعی. پیشینه تاریخی موسوعه نویسی. بیان روش کلی موسوعه فقهی به طور مفصل و دقیق در عنوان مستقل. تعریف دقیق و مفصل اصطلاح «عنوان» که مهمترین اساس در تدوین موسوعه عناوین و مقالات هستند. بیان انواع عناوین از جهت ماهیت و مفهوم، ارتباط بین آنها، کیفیت تقسیم آنها در ضمن موسوعه و مبنای آن. تقسیم دقیق و فنی عناوین فقهی بر اساس آن مبنای به چهار قسم: اصلی، فرعی، تالیفی، دلالتی و اشاره ای. بیان چگونگی ترتیب این عناوین بر اساس روش الفبایی و روش نوشتن مقالات و اقسام این روش ها و عناصر تشکیل دهنده مقالات و مباحث و کیفیت تنظیم و ترتیب آن و سطح خطاب در آنها. و در آخر اشاره به مصادری که به آنها اعتماد شده تا بیانگر وسعت محدوده مصادر باشد.

و اما جلد اول کتاب مشتمل بر بیست و چهار عنوان از «ائمة» تا «آئیه» است که ده تای آنها از قسم عناوین دلالتی و اشاره ای است که به محل خود ارجاع داده شده همچون «آباء» و «آمه»، و از چهارده تای دیگر بعضی که از قسم عناوین اصلی هستند، همچون «ائمة» و «آمین» و «آئیه» به صورت مفصل بحث شده اند و برخی دیگر که از قسم عناوین فرعی اند، مثل عنوان «آجر» و «آفاقی» اجمالاً بررسی شده اند، و بررسی بعض دیگر بین اجمال و تفصیل بوده است، مثل عنوان «آداب» و «آلات».

و اما کیفیت بحث های عناوین چنان است که به خاطر احتاطه بر تمام مسایل و فروع فقهی و اقوال و ادله و مصادر قابل اعتماد، این اثر بزرگ از دیگر تالیفات ممتاز شده است.

و نیز سطح کلی بحث ها در متتهای دقت بوده و تنها به ارائه یک نظریه و بیان اجمالی آن بدون پرداختن به عمق مطالب اکتفا نشده، بلکه از هر نظر و دیدگاهی به طور کامل پرده برداشته و لذا در گردآوری و ارائه فقه اهل بیت (ع) کاملاً به صورت موفق عمل نموده است.

ویژگی های موسوعه:

۱- پرداختن به تمام عناوین و مصطلحات فقهی به گونه ای

که چیزی از آنها را فروگذار نکرده است.

۲- تقسیم بندی عناوین فقهی به شکل فنی و منطقی و بر اساس مبنای دقیق و محکم و رعایت تناسب در تفصیل و اجمال و ارجاع بحث‌ها.

۳- اشتغال بر بحث‌هایی که برای اولین بار در فقه مطرح شده‌اند، خصوصاً با این دقت و عمق و ظرافت. همچون عنوان «آداب» که علی‌رغم آنکه بحث کوچکی به نظر می‌رسد، کوشش فراوانی در جمع مطالب آن و چگونگی استنتاج و استخراج آنها به صورت دقیق و عمیق و نیز موارد استعمال آن نزد فقها به کار رفته است.

۴- گردآوری تمام فروع و اقوال در بحث‌های مفصلی چون «آمین» و «آئیه» که حاکی از تلاش فراوان در جمع آن اقوال است. و نیز در ارائه اقوال و تقسیم و بیان سیر تاریخی و صدور آنها دقت و تعمیق نظر فراوانی به کار رفته که می‌توان جلوه آن را در بحث «حکم التطهیر بآئیه الذهب و الفضة» (موسوعة الفقه الاسلامی، ص ۳۵۰-۳۶۱). مشاهده کرد و با مقایسه با مشابه خود در کتب فقهی و حوزه‌های علمی دیگر به جلوه روشن تری از دقت نظر دست یافت.

همچنین نمونه‌ای از بیان تحولات و سیر تاریخی حکم، بحث «استعمال آئیه الذهب و الفضة» است که حکم آن در مراحل پنجگانه‌ای که مبتنی بر نصوص و شواهد محکم است بیان شده است (همان، ج ۱، ص ۳۳۱-۳۳۸).

۵- به کارگیری دقت فراوان در بیان گرایش‌های فقهی. زیرا در بیان اقوال یک مسأله فقط به ظاهر عبارات حکم فقهاء توجه نشده تا شناخت اقوال در همین حد متوقف شود و از صرف ارائه تعداد بسیطی از کلمات فقهاء فراتر نرود، بلکه به ادله و مبانی پنهان در پس آن اقوال دقت شده است. و پر واضح که این نوع نگرش با بهره‌مندی از اجتهاد و با توجه به عملیات استنباط صورت گرفته است.

و این تفاوت در سطح و رتبه بین دو نگرش گاهی موجب تاثیر بر نتایج هم می‌شود، زیرا در نگرش اول تعداد اقوال یک مسأله چه بسا بیشتر از واقع به نظر آیند، در حالی که از دیدگاه اجتهادی تعداد آنها به آن اندازه که به نظر می‌رسید، فراوان نباشد، و همینطور در عکس مطلب.

تجلی این ویژگی را بعنوان نمونه می‌توان در بیان گرایش‌های فقهی در حکم «آمین» در نماز ملاحظه کرد که در ابتدا موضع فقهای امامیه به صورت اجمال و همراه با مذاهب فقهی اسلامی دیگر بیان شده و سپس موضع فقهی امامیه را به صورت تفصیل با طرح سؤالی در باره اقوال مسأله و پاسخ آن از

لابلای مراجعه به کلمات فقهاء استخراج نموده است (همان، ص ۲۸۴). و این روش به جهت استناد به منابع، اعتماد به نتیجه را برمی‌انگیزاند که ثبوت دو حکم برای آمین است: حرمت تکلیفی و دیگر حکم وضعی که بطلان نماز است.

سپس احتمالات مراد فقهاء را که به سه مورد می‌رسد، تحلیل کرده و یکی از آنها را ترجیح می‌دهد و بعد به تفاوت‌های هر کدام پرداخته و سپس به منشا قول به حرمت وضعی (بطلان) و مبانی آن اشاره کرده است.

و در آخر پس از این بحث دقیق که جوینده را در اعماق استدلال‌ات فرو می‌برد، برای بار دیگر به مراجعه به نصوص باز می‌گردد و تحت عنوان «قراءة جدیدة للاقوال» به نتیجه نهایی می‌رسد (همان، ص ۳۰۳).

۶- بیان استدلال‌ات از بُعد اجتهادی آنها که عنوان «التطهیر بآئیه الذهب و الفضة» نمونه‌ای از تعمیق و تدقیق فراوان در این جهت است.

۷- طرح مباحث علمی در موسوعه؛ زیرا تنها به ارائه گرایش‌های فقهی و استدلال‌ات مربوط آنها اکتفاء نشده بلکه به بعضی از مناقشات هم گاهی اجمالاً و گاهی به صورت تفصیل پرداخته شده است.

از این قبیل است مطلبی که در مناقشه استدلال بر «بطلان نماز با گفتن آمین» آمده است؛ زیرا بعضی از فقهاء در این مطلب نه وجه برای اثبات بطلان نماز اقامه کرده‌اند که در موسوعه تمام این استدلال‌ها مرود و در آنها مناقشه شده است (همان، ص ۲۹۹-۳۰۳).

۸- صراحت در بیان حقائق علمی و مطالب بدون هیچگونه جانبداری که این ویژگی را می‌توان در بحث «ائمه» و «آل‌البيت» به خوبی دریافت؛ زیرا در ابتدا تمام نظرات مخالف با صراحت و بدون تعصب مطرح شده‌اند و سپس موضع حقیقی مذهب اهل بیت (ع) هم صراحتاً بیان شده است.

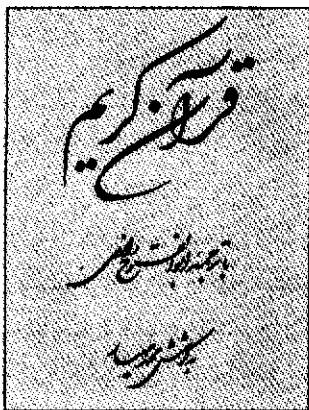
۹- رعایت تناسب سطح و هماهنگی روش در تمام اقسام و انواع بحث‌ها که حاکی از دقت فراوان در تطبیق هماهنگ روش و اسلوب در تمام برنامه‌های موسوعه است.

۱۰- برخورداری تمام مطالب و معلومات از ترتیب و نظم خاص در قالب منطقی و به شکل نادری که در کتابت بحث‌های فقهی و حتی تخصصی بی‌سابقه است.

به عنوان نمونه در اوایل بحث «آئیه» مطالب و مباحث به صورت منطقی تقسیم شده و مبانی هر تقسیم هم بیان گردیده است (همان، ص ۳۲۸).

۱۱- ساختار بیان و خطاب در بحث‌ها به گونه‌ای است که هم از ظهور و وضوح عبارت و هم از پختگی و دقت در مطلب

سرآغازی فرخنده در تاریخ ترجمه فارسی قرآن کریم (درباره چاپ / تصحیح مستقل ترجمه ابوالفتح رازی).



نگارنده این سطور در مدت چهار سالی که شبانروز برای ترجمه قرآن به زبان/ نشر فارسی معیار متعارف امروز، با امهات تفسیرهای کهن، اعم از فارسی یا عربی و شیعی یا سنی، به مطالعه ژرفا ژرف تفسیر روض الجنان و روح الجنان اشتغال داشت، و پیش از ترجمه موظف و معین دو صفحه‌ای هر روز، ده‌ها صفحه تفسیر و واژه‌نامه و به‌طور کلی آثار قرآن‌پژوهی - از قدیم تا جدید - برای درک و دریافت حتی المقدور دقیق و درست مربوط به همان دو صفحه مراجعه می‌کرد و این شیوه را در طی چهار سال، حتی یک بار فرو نگذاشت، و آگاهانه/ ناآگاهانه عیار صحت و دقت هر تفسیر - از میان حدوداً یکصد تفسیر که در دست و پیش چشم داشت، به این نتیجه رسید که تفسیر ابوالفتح رازی (نگاشته نیمه اول قرن ششم هجری)، مهم‌ترین و قدیم‌ترین تفسیر فارسی شیعی است. تفسیرهای فارسی طبری [با توجه به این که این تفسیر کهن - نیمه قرن چهارم قمری - کم‌ترین ربط و پیوندی با تفسیر عربی اصلی محمد بن جریر طبری ندارد] تاج التراجم، سورآبادی، و میدی و احتمالاً چند تفسیر دیگر، از جمله درواجکی، اگرچه از حیث زمان، غالباً مقدم برآند یا بعضی کمابیش هم‌عصرند، اما شیعی نیستند. تفسیرهای قمی، فرات کوفی، حبری، و عیاشی، و تفسیر گرانسنگ تبیان شیخ طوسی و احتمالاً چند نمونه موجود خطی و چاپی دیگر، از ابوالفتح کهن‌ترند، و اگرچه شیعی هم هستند، ولی فارسی نیستند. چند «ترجمه» کهن‌تر و فارسی کهن‌تر از ترجمه مندرج در دل تفسیر ابوالفتح داریم که اغلب خطی‌اند، مگر یکی که بی‌همتاست و با نام «قرآن قدس»، به همت استاد زبان و ادب پژوه بزرگ معاصر، جناب آقای دکتر علی رواقی، با تلاشی بی‌مانند، کشف، تصحیح، مقدمه و تعلیقه نگاری شده و بیش از یک دهه پیش، در دو جلد به قطع رحلی سلطانی، به

برخوردارند، و با وجود نوآوری در الفاظ، اصالت مطلب مورد غفلت نگشته و در حالی که با زبان خاص و اصطلاحات فقهی سخن گفته از بیان عرفی هم فاصله نگرفته است.

۱۲ - موسوعه توانسته است بین مطالب گذشتگان و مسائل عصر حاضر به شکل تخصصی پیوند و ارتباط برقرار سازد، به این صورت که در هر ادعائی سعی شده که هم به آثار نصوص فقهاء گذشته استناد شود و هم مطالب بیرون آمده از این نصوص به شکل علمی و نوین ارائه گردد، به طوری که منعکس کننده سلامت ذوق و فکری است که موسوعه در برنامه هایش بر آن تکیه دارد و حاکی است از تقارن شامه فقهی با درک صحیح از زمان در بیان مطالب.

و همچنین موسوعه در الحاق نظریات جدید در سطح فقه و اصول به نظریات گذشتگان به صورت توانمند نگریسته و کوشش کرده که خواننده را به سوی نظرات بهتر هدایت کند.

نمونه‌ای از این ویژگی را می‌توان در عنوان «آدمی» جستجو کرد که مشتمل بر اشارات و نکات ظریفی است که توجه خواننده را برمی‌انگیزانند.

۱۳ - اینکه موسوعه در هر موضوع رساله و نمونه‌ای را تقدیم حوزه‌های علمی کرده است که از جنبه‌های گوناگون به مطالب هر عنوان به صورت وسیع و بطور عمیق و دقیق پرداخته است و سزاوار آن است که مطالبش با دقت و کنجکاوای مورد بررسی قرار گیرد تا امتیازات آن نسبت به سایر کارهای مشابه آشکار شود. و اما در این جهت بحث‌های جلد اول از عظمت این کار سنگین و پر ارزش و نقشی که می‌تواند در مرجعیت علمی ایفا کند پرده بر می‌دارد که خواننده را برای قضاوت در باره ارزش این اثر و سنجش معلوماتش، به مراجعه کتاب و فرورفتن در گستره اعماق مطالب آن ارجاع می‌دهیم.

وشایسته است به این نکته نیز اشاره شود که با تمام این خصوصیات ممتازی که در موسوعه به وفور یافت می‌شود، تدوین جلد اول آن در مدت کوتاهی به پایان رسید که مجموع آن از چهار سال فراتر نمی‌رود (مخفی نماند که در طی سال‌های پس از تأسیس مؤسسه تا قبل از این چهار سال به کارهای مقدماتی و آماده سازی پرداخته شده است از قبیل تهیه «معجم فقه جواهر» و «جواهر الکلام فی ثوبه الجدید»). و این زمان در مقایسه با موسوعات فقهی دیگری که در کمتر از پانزده سال به طبع نرسیده‌اند بسیار قابل توجه و تأمل است.

در پایان توفیق دست اندر کاران این مجموعه عظیم را در جهت ادامه و تکمیل آن از خداوند متعال خواستاریم.

خالد غفوری

بهترین وجه، توأمان، چاپ عکسی و حروفی شده است. اما خود استاد دکتر رواقی هم تصریحاً یا تلویحاً آن را به زبان/نثر دری ناب نه، بلکه (آمیخته با) گویشی کهن متعلق به ناحیه ای نامعلوم، اما محصور و محدود به (از) سیستان تا خراسان، یا با توسع بیش تر (از جانب بنده) منطقه ای از جنوب شرقی تا شمال شرقی می انگارند. و دهه هاست که چنین متن شگرفی-از آثار کهن فارسی-بازیابی و بازخوانی و احیا نشده است. اما با همه عظمت و قدمت آن، که فقط شمه ای از آن باز گفتیم، حتی برای زبانشناسان و ادب پژوهان حرفه ای و متخصص هم کاملاً خوانا نیست، تا چه رسد که مانند تفسیرها و ترجمه هایی که اشاره کردیم، خوانا و در عین تحت اللفظی بودن که شیوه هزارساله دست کم هزار ترجمه فارسی قرآن کریم است. کتابشناسی آن ها، ان شاءالله به زودی از سوی «مرکز ترجمه قرآن مجید» (در قم) منتشر می شود، و حدوداً هشت-ده سال پیش، محقق و کتابشناس والا مقام استاد محمد آصف فکرت، جلد اول کتابشناسی قرآن های مترجم (فارسی) آستان قدس رضوی را که شامل معرفی ۳۲۶ ترجمه بود، با نظم و ترتیب شایانی، تدوین کردند که از سوی انتشارات آستان قدس منتشر شد و به دلیل یا دلایل نامعلوم، هنوز جلد(های) بعدی منتشر نشده است.

باری به بحث خود درباره چاپ مستقل و یک جلدی ترجمه ابو الفتح (هر صفحه همراه با یک صفحه از قرآن کریم، به شیوه اغلب ترجمه های ۵۰ سال اخیر) باز گردیم. این بنده ترجمه آیات قرآنی را که در اصل تفسیر بخش بخش، و در ترجمه مستقل، به صورت پیوسته آمده است از زمره درست ترین و دقیق ترین و خوشخوان ترین ترجمه های فارسی کهن قرآن کریم، ارزیابی می کند. اما داوری تفصیلی بین جملات، عبارات و واژه ها (تک معادل های) این ترجمه را با ترجمه های مستقل یا مندرج در دل تفسیرهای فارسی کهن/کهن تر یا هم عصر با آن را، هم در حد بضاعت خود، و هم در گنجایش این مقال و این مجال نمی بیند.

اینک در بخش پایانی این یادداشت که به واقع در حد معرفی جامعی هم نیست تا چه رسد به نقد و تحقیق یعنی نقد تحقیقی یا تحقیق انتقادی، به بعضی مزایای این بازچاپ مستقل که از نظر حروف نگاری، و مواد و مصالح چاپی، شایسته و شکیل است، می پردازیم. کوشش جناب محمد مهیار، زبان پژوه و ادب پژوه باریک بین و سختکوش، در احیا و تصحیح مجدد-و بدون مبالغه: انتقادی- این ترجمه، بر مبنای نسخه خطی غیر کاملی در کتابخانه روانشاد آیه الله العظمی مرعشی، و با توجه به تصحیح های چهارگانه پیشین از این تفسیر گرانقدر، به عمل

آمده است: ۱. تصحیحی آغاز شده در اواخر دوره قاجار، که مرحوم ملک الشعرا بهار در تنقیح آن کوشیده و شادروان علامه محمد قزوینی با دقت معهودش آن را از آغاز تا انجام زیر نظر گرفته به پایان رسانده و خاتمة الطبعی، در حد یک رساله، در گزارش فراز و نشیب های تصحیح و نیز معرفی جایگاه و پایگاه علمی شامخ ابو الفتح رازی-که معروف است همشهری قرآن شناس و عظیم الشأنش امام فخر رازی در تفسیر بس ارجمند خود (به عربی) از آن استفاده کرده، و به تعبیر دیگر آن را جزو منابعش قرار داده- نوشته است. ۲. تصحیح شادروان الهی قمشه ای که حدس می زنی نظر به غوطه وری ایشان در حکمت و عرفان، و نداشتن حوصله و سختکوشی خاص تحقیق و تصحیح متون، آن هم متنی این چنین سنگین و توانفرسا، قاعدتاً باید باز چاپ همان تصحیح پیشین باشد.

۳. تصحیح ارزشمند استاد عالی مقام روانشاد آیه الله ابو الحسن شعرانی که حدس می زنی ایشان هم با وجود همت بلند در احیا و ترجمه و تحشیه آثار علمی عدیده، در باب تصحیح انتقادی متون دید امروزین نداشت. اما چه بسا، کم یا بیش، تصحیحات قیاسی کرده باشد که نظر به جامعیت علمی بی نظیرش و انش با قرآن مجید و علوم قرآنی، بی گمان حائز اهمیت است و می تواند، یا چه بسا توانسته باشد گشای بسی معضلات و دشواری های و تصحیف خوانی ها و حتی ناخوانی های سرپوش نهاده از سوی گذشتگان، یا گریخته از چشم آنان، به کار آید. نیز گفتنی است که مطلقاً یکی از بهترین واژه نامه های قرآنی را ایشان هم به تحقیق و هم اجتهاد شخصی به نام نثر طوبی تدوین و بر آخر کتاب افزوده که متأسفانه تا حروف سین بیش تر نیست، و خوشبختانه جناب محمد قریب آن واژه نامه روشن و روشنگر را به همان شیوه مؤلف ادامه داده و به اتمام رسانده است.

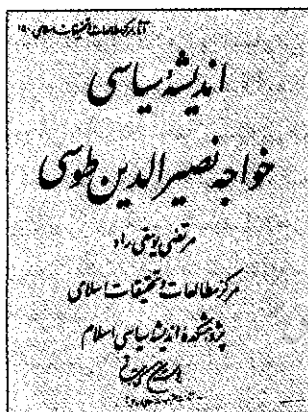
۴. تصحیح گروهی از محققان بنیاد پژوهش های اسلامی وابسته به آستان قدس رضوی در مشهد به سرپرستی دوست قرآن شناس سختکوش و کاردان و پرکار (به ویژه در رشته قرآن پژوهی) سرپرستی فرهنگنامه قرآنی را در پنج مجلد که در دهه چهل به ابتکار مرحوم احمد علی بخارایی شروع شده و پس از وقفه طولانی باز به همت گروهی از کاردانان کوشای همان بنیاد به سرپرستی استاد دکتر یاحقی در ۵ مجلد به ثمر رسید و بنده هم یادداشتی در جلب نظر دیده و ران به اهمیت آن نوشتیم، و به حق در رشته علوم قرآنی کتاب سال شد، از یاد نبرده ایم و نمی بریم و تصحیح و احیای چندین ترجمه قرآن کهن از جمله قرآن ری مکتوب به سال ۶۵۶ق. و نیز تفسیر سنقشی که با

سرآغاز سلسله جنبان ده‌ها اثر مشابه شود، این است که همین واژه‌نامه 'کوچک' و به قول مصحح: «لغات و ترکیبات»، خوب است در چاپ‌های بعد دوسویه شود؛ یعنی واژه‌جو و پژوهنده هم در زیر مدخل «آب‌نمای» دریابد که برابر نهاده قرآنی آن «سراب» است، و هم ذیل سراب/سراباً دریابد که معادل قرآنی آن «آب‌نمای» است.

انتشار این اثر ارجمند و تصحیح و تحقیق سنجیده و راهگشا را به شیفتگان قرآن کریم و ترجمه فارسی آن، و دوستداران زبان فارسی و تاریخ آن، با مهر و شادی و اخلاص شادباش می‌گویم.

بهاء‌الدین خرمشاهی

انتدیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی: مرتضی یوسفی‌راد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۸۰، ۳۱۲ص، رقمی، نمودار.



آرای روشن اندیشان مسلمان در هر دوران با نگاهی که به شرایط عصر خویش دارد، پاسخی است به مسائل و نابه‌سامانی‌های زمانه و یا طرحی برای به سامان درآوردن اوضاع جامعه از نظرگاه‌هایی که هر یک در مواجهه با موضوعات سیاسی با دیگران تفاوت‌هایی دارد. از سویی همه این گونه‌گونی‌ها از آن‌رو که در درون الگوی اسلامی در متن باورها و دغدغه‌های مشابه روییده است، در عین ویژگی‌های متنوع، مشترکات بسیاری در اصول دارد.

این آرا، از جهت روشن شدن زوایای تاریک تاریخ، ارزشی تاریخی دارد؛ چرا که شناخت تاریخ با اکتفا به ثبت وقایع و تاریخ‌نگاری‌ها و بدون تاریخ‌نگری و تلاش برای فهم رویه دوم زمان و اندیشه‌های آفرینندگان وقایع، میسر نمی‌شود. ارزش دیگر این بررسی‌ها از جهت محتوای علمی است؛ زیرا اندیشمندان مسلمان امروز که در پی پاسخ‌گویی به مسائل زمان است، دغدغه‌های مشترک فراوانی با پیشینیان دارد و در صورتی که بخواهد بر هویت تاریخی خویش تکیه زند، نیازمند مطالعه راه پیموده شده

همکاری دوست دانای مشترکمان جناب استاد دکتر مهدی ناصح این تفسیر کم‌نظیر و بیش‌بها را با تلاشی، به گمانم بیش از ده ساله، به ثمر رساندند که مقبول طبع مردم صاحب‌نظر شده است.

اما جناب مهیار با وجود کمال تکیه و توجه به این تصحیح ارجمند، و سواس علمی بزرگان را سرمشق خود قرار داده، ضبط کلمه به کلمه این تصحیحات چهارگانه، حتی چهارمین را به زیر ذره بین نقادی خود برده و بر مبنای این دلیل/علت که متن اساس در این بیست جلد، واحد نبوده، بلکه ده متن مختلف التاریخ و با ارزش‌های متفاوت بوده است. ده بار متن اصلی و اساس در تصحیح این بیست جلد، تغییر یافته، گویی متن واحد کهن کامل و شاملی در دست نبوده، لذا در مورد تصحیح هر جلد بهترین متن را قطع نظر از قدمت، اساس قرار داده‌اند. نظر به این نکته و نکات دیگر آقای مهیار، پیش از اهتمام به این کار ارزشمند ماندگار نقد متین و مستدل و مؤدبانه‌ای بر کار سترگ استادان یاحقی - ناصح نوشته‌اند و مشروح‌تر از آنچه اشاره شد، در پیشگفتار خود تحت عنوان سخنی درباره این ترجمه، این مسائل را با سلامت نفس و ادب ذاتی و دقت علمی خود باز گفته‌اند.

اما پس از این تصحیح کما بیش مجدد، کارهای ارزشمند ماندگار دیگری نیز انجام داده‌اند: یکی تحقیقی رسا و روشن تحت عنوان «ویژگی‌های زبانی ترجمه ابوالفتوح رازی» است؛ دیگری که همان آخرین بخش پیشگفته است و سزاوار تحسین و تقدیر بیش تر اهل تحقیق، همان فرهنگواره لغات و ترکیبات است که برای نشان دادن ساختار آن، دو - سه مدخل را نقل می‌کنیم: - آب: «نُطْقَةُ»: نطفه ۳۷/۱۸ (در پانویس آمده که عدد سمت راست شماره سوره است و عدد سمت چپ شماره آیه است).

- آب خورد «مَشْرَبٌ»: آب‌شخور ۶۰/۲. گفتمی است که دو نقطه پس از کلمه فارسی که پس از مدخل اول یعنی «آب» آمده بود، دیگر در سراسر این واژه‌نامه ارزشمند تکرار نمی‌شود.

- آب زای [زمین ...]: «سَرَاباً»: سراب ۲۰/۷۸. گفتمی تر این است که بنده این کلمه را تصحیف نویسی یا تصحیف خوانی آب‌نمای می‌دانم. و اتفاقاً این نظرم را با همکار دانشمند باریک بین جناب استاد دکتر علی اشرف صادقی که در حل مشکلات مشاور عالی مصحح محترم بوده‌اند و این واژه‌نامه سی و یک صفحه‌ای را (حدوداً حاوی هزار واژه معادل فارسی همراه با اصل عربی - قرآنی آن است) دوبار از زیر نظر دقیق خود گذرانده‌ام، در میان گذاشتم، و آن‌آ بدون چون و چرا حق را به من دادند. کمبود چشمگیر این کار ارزشمند که ان شاء الله

و اندیشه در فراز و نشیب حوادث عبرت آموز و حکمت آمیز تاریخ است. خواجه نصیرالدین محمد بن محمد طوسی که کتاب حاضر با هدف به سامان در آوردن مجموعه آرا و تئوری های سیاسی وی پدید آمده است با آثار مختلف در ابعاد فلسفی و حتی عرفانی در بعضی مقاطع به طریق مشایی یعنی عقلی / استدلالی محض پیش می رود؛ چنان که در دفاع از ابن سینا قلم برمی کشد و با نگارش مصارع المصارع در ردّ مصارعة الفلاسفة اثر محمد بن عبدالکریم شهرستانی (۵۴۸م) به دفاع از مواضع ابن سینا پرداخته و باری دیگر پس از ترک قلاع اسماعیلیان، ایرادهای فخر رازی را در شرح اشارات و المحصل که از دیدگاهی اسماعیلی انتقادهایی بر پورسینا وارد ساخته بود، پاسخ می گوید.

مشرّب خواجه با آن که در اندکی موارد به طریق کلامی است، یعنی استدلال توأم با شرع، در مجموع بیش تر مشایی است تا اشراقی و کلامی و جنبه فلسفی وی بر رویه کلامی اش غلبه دارد و حتی در تجرید الاعتقاد که اثری کلامی به شمار می آید، از مسائل فلسفی استفاده های فراوان نموده و در استدلال ها از قواعد فلسفه سود می جوید. همچنین با آن که سخنان بسیاری همچون ابن سینا را کم تر نقد می کند، اما فیلسوفی واقعی است که کورکورانه از دیگران حتی کلامیان پیروی نکرد و شاید کلام را که فلسفه ای عقل ستیز بود، برای دور بودن از آزاداندیشی ها به سوی نهاد.

خواجه نصیر به جز همه این ها و علاوه بر آن که شارح خوبی برای تبیین فلسفه سیاسی فارابی شد، در زمینه فن سیاسی و مدیریت اجرایی سیاسی هم دارای نظریه های خاصی است و توانست یک نظام سیاسی مطلوب و مشروع و تا حدی بی اعتراض را طراحی و سپس اداره کند. نگرش فلسفی / کلامی - سیاسی به نظام امامت در راهبرد انسان به رشد و کمال، و استخراج راهکارهایی از آن برای ترسیم نظامی سیاسی از ویژگی های وی به عنوان نخستین نگرنده از موضع فلسفه پس از فترت و رخوت نظریه های دولت فقه شیعی از زمان غیبت به این مقوله است.

با این وجود آندیشه سیاسی خواجه اعم از نظری و عملی تنها با تحقیقی جزئی در چند اثر او که از آن میان فقط دو سه نمونه از آن ها به تبیین واقعی نظریات وی پرداخته و روش دهی های سودمند دارد، اگرچه لازم است، ولی کافی نیست. درباره خواجه که خود عملاً به سیاست عملی روی آورده، بیرون کشیدن مؤلفه های راهکارهای او بخش عمده و مهمی در تحقیق آرای سیاسی او است که در کتاب حاضر، ناگفته مانده و یا اگر ذکر شده کمتر روی استواری دیده است.

نیز در یک نگاه کلی دیگر روشن می گردد که نمودارها در جای جای کتاب هر چند در پی ساده کردن و خلاصه نمودن

گفتنی های پیشین بوده است، اما ظاهراً هنوز جای بازنگری داشته باشد. درباره فصول این نوشتار نیز سخن فراوان است؛ از جمله این که شناخت شناسی خواجه (ص ۲۹-۶۴) فضایی بیش از اندازه را به اشغال در آورده و بنیادهای فلسفی - سیاسی خواجه در فصل سوم و سیاست در اندیشه سیاسی خواجه در فصل پنجم تا ورود به مبحث اصلی به درازا کشیده شده (ص ۶۵-۷۵ و ص ۱۰۷-۱۱۹) و در عوض بخش های اصلی و خواندنی تری همانند فصل ششم، یعنی فلسفه سیاسی خواجه و فصل هفتم یا دولت در اندیشه خواجه نصیر در طلب بحث و فحوص بیش تری بوده است؛ علاوه بر آن که فصل هفتم باید بر دیگر بخش ها - به جز فصل زندگی نامه - مقدم می شد؛ زیرا در حقیقت ضرورت پرداختن و روی آوردن خواجه به سیاست عملی در گرو پاسخ به وجوب وجود دولت یا عدم حکومت و بی دولتی و پیشروی جامعه برای پدید آوردن فردی دولت در شمار می رود.

از دیگر موارد لازم و افزودنی در قلم آوردن قسمتی درباره اخلاق سیاسی خواجه و هم تهیه تخصصی تر اصطلاحات سیاسی خواجه در پایان کتاب و به طور کلی استخراج واژه های خاص به کار رفته در این سری اندیشه های سیاسی بزرگان در مجموعه تحقیق های پژوهشگده اندیشه سیاسی اسلام متشکل از اصطلاحات مورد استفاده و یا ساخته و پرداخته ذهن بزرگان کاری پسندیده و در راستای کارآمد شدن هر یک از پژوهش ها است.

در هر حال نخستین فصل پژوهش ارزشمند حاضر، متکفل بررسی و سیری در زندگی نامه خواجه است که داستان وار گذری اجمالی بر زندگانی محقق طوسی دارد؛ ولی افق های جدیدی را در زندگانی وی نمی گشاید و مطلب جدیدی بر گفته های تراجم نگاران پیشین نمی افزاید. البته در این دست نوشتارها، یعنی پژوهش هایی که سعی در کندوکاو و شناساندن نمودها و باز نمود آن ها و مباحثی همانند اندیشه های سیاسی، فلسفی و کلامی دارد، تفصیل دادن زندگانی صاحبان اندیشه های مورد بحث، لطفی ندارد و لازم نمی نماید؛ اما در عوض، دایره المعارف وار بودن و پرداختن به آخرین دستاوردهای پژوهندگان درباره شرح حال آنان و ارائه کتاب شناسی گونه ای از تحقیق های گذشته درباره اندیشه های سیاسی اسلامی و آرای سیاسی بزرگان و دانشمندان اسلامی و هم ارائه سیاهه برجسته ترین نوشتارهایی که در آن به زندگی نامه و عقاید و افکار فرد مورد بحث از زوایای گوناگون پرداخته اند، پسندیده است.

فصل دوم که شناخت شناسی خواجه نصیر نام دارد، چنین برداشت می کند که خواجه فلسفه عملی و مدنی خود را بر فلسفه نظری بنا نهاده است و رابطه مستقیمی میان هست ها و نیست ها

و باید‌ها و نبایدها قائل شده و در این رو آنچه از راه عقل عملی در حکمت عملی به ارزش‌های فردی و اجتماعی و حسن و قبح‌های عقلی در برابر حسن و قبح‌های شرعی می‌رسد، با معارفی در ارتباط است که حکیم الهی در حکمت نظری خود از راه قوه عاقله و منبع وحی دریافت نموده (ص ۷۷-۸۱) و همگی آن‌ها را برای خود و دیگران عملی می‌سازد.

فصل سوم تبیین فلسفه سیاسی خواجه است، تا دانسته شود که بر چه بنیادهای فلسفی و کلامی ای پی نهاده شده است. مبدأ المبادی و علت العلل تمامی موجودات عالم و پدیده‌های سیاسی، خداوندی است (ص ۷۶) که تمامی عالم امکان را در یک رابطه علت و معلولی به خود مرتبط ساخته و برای آنان هم علت محدثه، و هم علت مبقیه شده است.

از دیگر بنیادهای فلسفی محقق طوس، لزوم بعثت پیامبران و نصب امام است (ص ۸۳) که با اتصال به منبع وحی به تشریح و تقنین پرداخته تا با جریان دهی آن‌ها در جامعه، افراد به کمالات انسانی خود برسند. نیز عدالت از اصول محوری سیاست است که منشأ آن از اصل عدالت بوده و جامعه را به اعتدال مدنی می‌کشاند تا از مسیر کمالی خود خارج نشود و سیاست را به علت غایی خود، یعنی وصول به معاد و غایت الغایت منتهی کند. اصل عدالت، همراه با قاعده لطف از اصول محوری قابل شمارش دیگر، انسان را که مدنی به طبع (ص ۸۶) و موجودی کمال‌گرا و کمال‌خواه است و می‌خواهد با گرایش به هموعان خود و ایجاد همکاری به خیرخواهی و غیرخواهی تمایل پیدا کند و با جهت دهی به امیال خود، خیرخواه خود و احیاناً دیگران شود و به تمام فضایل، ملکات و سعاداتی که در انسان شناسی وی ترسیم شده نائل آید، به سوی سعادت عظمی رهبری خواهد کرد.

بر اساس قاعده لطف عالم بالا و معقولات با عالم پایین و محسوسات اتصال می‌یابد؛ ابتدا بر نبی و امام و سپس انسان‌های عادی به واسطه چنین لطفی به سوی تحصیل سعادت رهبری می‌شوند.

در یک جمع بندی کلی تر مطالعه فصل سوم مبادی فلسفه سیاسی خواجه را این چنین به دست می‌دهد: آنچه وی از جهان بینی خود در عقل نظری و تعلقات عقل عملی دارد، همه بر اساس نوع معرفتی است که وی از جهان هستی دارد؛ یعنی جهان‌شناسی فلسفی و فلسفی-سیاسی وی مبتنی بر نوع شناخت و مراتب شناختی است که از منابع شناخت‌شناسی عمومی و سیاسی وی حاصل می‌شود. پس وجودی که شناخت حقیقت و واقعیتش مورد بحث قرار می‌گیرد، فراتر از وجودی است که محسوس به حواس ظاهری است.

فصل چهارم با عنوان انسان‌شناسی سیاسی خواجه نصیر بر آن است تا دریابد که پدیده‌های انسانی همانند حیات جمعی در

سیاست چگونه شکل می‌گیرند و چگونه است که تعریف انسان بر آن‌ها متوقف می‌شود؛ یعنی آنچه از انسان در عالم واقع وجود دارد، انسانی است که خالق و سازنده چنین پدیده‌های انسانی و روابط میان آن‌ها است. بنابراین آنچه در این جا مراد است، نه انسان طبیعی، بلکه انسان سازنده محیط و زندگی جمعی است. انسانی با علائق مدنی که با تدبیر در محیط اطراف و حتی در همه پدیده‌های زندگی جمعی و سیاسی (ص ۱۰۳) به دنبال تشکیل اجتماعات و تمدن‌سازی می‌رود و برای تنظیم روابط این اجتماعات متمدن، چاره‌ای جز رو آوردن به سیاست دارد؛ سیاست که قانونمندی آن توسط فلسفه سیاسی حاکم حکیمی ارائه می‌شود (ص ۱۰۴-۱۰۵).

فصل پنجم، سیاست در اندیشه سیاسی خواجه نصیر است و روشن می‌کند که در نظر خواجه، زندگی جمعی انسان که از طبع او نشأت گرفته، ضرورت آن نیز طبیعی بوده و خود، چنین ضرورتی را درک کرده و به دنبال آن می‌رود و به همان میزانی که طبعش مدنی است، سیاسی نیز هست. از این جهت تحقق زندگی جمعی آن با تدبیر بر آن ممکن می‌شود و آنچه از انسان در عالم واقع و خارج داریم، انسان سیاسی است، نه انسان طبیعی. از سویی با تشکیل زندگی جمعی و تدبیر کردن در رفع نیازهای اولیه، زمینه بروز و ظهور استعدادهای کمالی فراهم شده و سطح دیگری از سیاست، ضروری می‌گردد.

در چنین سطحی، سیاست‌ها عمیق و دقیق می‌شود و باید به تناسب رشد زندگی جمعی، امور آن و لوازم سیاست، از قبیل قانون و نهادهای متعدد و ساختارهای متناسب با نوع سیاست حاکم طراحی شود. در چنین سیاستی، افراد اجتماع باید بتوانند به تمام استعدادهای بالقوه خود فعلیت بخشند.

فصل پنجم سیاست در اندیشه سیاسی خواجه نام گرفته و بیان می‌دارد که اجتماع مورد نظر وی به ملاحظه تعاون افراد و گروه‌های هدفمند با یکدیگر و مجموعه نهادهای سیاسی-اجتماعی و روابط ساختاری که در رأس آن‌ها ریاست مدینه است، یک نظام سیاسی را تشکیل می‌دهد و به اعتبار هدفی که مردم مدینه و حاکم آن دارد، به دو نوع نظام سیاسی فاضله و غیر فاضله تقسیم می‌شود. نهادهای اساسی و مراتب شهروندی نظام سیاسی فاضله عبارتند از:

۱. نهاد رهبری و عهده دار تدبیر مدینه متشکل از فضلا و حکما با قوت تعقل (ص ۱۷۷) در مقابل نهاد غیر مدنی (ص ۱۸۵).
۲. نهاد ذوی الالسنه و فرهنگیان و مبلغان که عهده دار فرهنگ سازی و رشد فرهنگی و دینی مردم اند (ص ۱۸۰).
۳. نهاد مقدران و محاسبات اداری و حکومتی که حافظ و مجری قوانین عادلانه در میان مردم است (ص ۱۸۱).

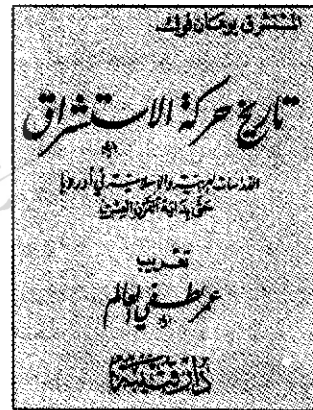
۴. نهاد مجاهدان و نظامیان تأمین‌کننده امنیت مدینه و اهل آن (ص ۱۸۱).

۵. نهاد مالیات و اقتصادیان که متکفل تأمین نیازهای مالی و غذایی دیگر نهادها هستند (ص ۱۸۲).

فصل فرجامین و هفتم کتاب با نام دولت در اندیشه خواجه نصیر، دولت پایا و پویا را دولتی می‌داند که بر مبنای سیاست فاضله (امامت) باشد و به شیوع خیرات عامه عنایتی تام داشته باشد و در هم کرد تمامی این گفتارها این که خواجه سیاست را دارای سه لایه می‌داند: لایه اول آن سیاست حیوانی و لایه دوم و سوم آن عقلی و الهی که در هر لایه موضوع، شأن، هدف و غایت سیاست و قانون حاکم بر آن متفاوت می‌شود.

محمدرضا زاده‌وش

المستشرق یوهان فوک. تاریخ حرکت الاستشراق، الدراسات العربیة و الاسلامیة فی أوروبا حتی بدایة القرن العشرين، تعریب عمر لطفی العالم، بیروت، دارقتیبة.



اهمیت آشنایی با تاریخ اسلام شناسی در غرب، جایگاه یوهان فوک در شرق شناسی، تأثیر عربی دانی فوک بر عربی پژوهی و نیز اسلام شناسی، راه و رسم بررسی علمی تاریخ یک علم نزد یوهان فوک، و بالاخره به عنوان الگویی مناسب جهت تهیه و تدوین تاریخ عربی پژوهی در ایران، می‌توانند عوامل کافی برای کشاندن هر علاقه مند به چنین مباحثی به منظور خواندن کتاب «عربی پژوهی در اروپا: از آغاز تا قرن بیستم» باشند.

ظهور دین مبین اسلام در جهان عرب و توجه اعراب به سرزمین‌های غیر عربی - بعد از رحلت حضرت رسول اکرم (ص) - برای مسلمان کردن و عربی کردن در نهایت بعدها منجر به تأسیس رشته‌های علمی در سرزمین‌های غیر عربی به منظور شناخت اسلام و مسلمانان گردید. در ایران رشته الهیات و معارف اسلامی و نیز زبان و ادبیات عرب تأسیس شد و در اروپا رشته‌هایی چون

اسلام شناسی، شرق شناسی و نیز عربی پژوهی در همین راستا پدید آمدند. منظور از عربی پژوهی - نه شرق شناسی - در واقع هر گونه بررسی علمی از زبان عربی گرفته تا ادبیات عرب و فرهنگ عربی بر مبنای روش علمی غرب است. این نیز گفتنی که آنچه ما در این جا عربی پژوهی می‌گوییم، در زبان‌های غربی بدان «مطالعات عربی» گفته می‌شود که معادل تحت‌اللفظی و ترجمه خام است.

اگر نولدکه را تأثیرگذارترین آلمانی بر سنت شرق شناسی در آلمان بدانیم، بی‌شک یوهان فوک تأثیرگذارترین آلمانی بر عربی پژوهی در آلمان و حتی در خارج از آلمان است. دهه ۵۰ میلادی را باید از پر بارترین دهه عمر یوهان فوک به حساب آورد؛ زیرا حاصل بهترین تحقیقات وی در این دهه به طور منسجم در اختیار همگان قرار گرفت و کتاب حاضر از جمله این تحقیقات است؛ گو این که بخش‌هایی از آن قبلاً در برخی نشریات معتبر آلمانی چاپ شده بود. کتاب حاضر در ۱۹۹۶ به زبان عربی ترجمه شد و مترجم عربی، مؤلف را شرق شناس و اثرش را شرق شناسی خوانده است؛ حال آن که مؤلف خود در مقدمه، بر تفاوت شرق شناسی و عربی پژوهی تصریح دارد. مرتضی رزم‌آرا و سید محمد فیروزآبادی نیز تقریباً نیمی از کتاب مورد بحث را به فارسی ترجمه کرده‌اند.

عربی پژوهی در غرب، همان گونه که مؤلف در مقدمه گویای کتاب عنوان می‌کند، از اروپا - که غرب آن روز دنیا بود - شروع شد و هنگام مبارزه فرهنگی غرب با اسلام، اهمیت بسزایی یافت. لشکرکشی‌های فاتحانه اعراب و جنگ‌های دوک نوپای مسلمان با امپراتوری روم شرقی و بعدها با سایر دولت‌های اروپا در آغاز برای نزدیکی و توجه محافل غرب به زبان عربی مناسب نبود. حتی این واقعیت که جهان اسلام، میراث عصر باستان یونان و روم را در حوزه‌های فلسفه، ریاضی، نجوم، پزشکی و علوم طبیعی حفظ کرده و حتی بر آن افزوده بود، باز موجب پژوهش‌های زبان‌شناختی به معنای اعم در زبان عربی نگردید؛ گو این که خود دلیلی بر ترجمه این متون از زبان عربی به زبان لاتین شد. نخستین ترجمه قرآن به زبان لاتین که تاریخ آن به سال ۱۱۴۳ میلادی برمی‌گردد، نیز بیش تر دارای ویژگی‌های ترجمه آزاد بود و به «قالب» و «سبک» متن اصلی به هیچ روی توجهی نشده بود. اما از آن جا که گرایش‌ها و تمایلات تبلیغی و وحدت‌گرایی کلیسای رومی - کاتولیکی، تبلیغ بدون زبان را دیگر مجاز نمی‌دانست، این تصمیم آبی کلیسا در واقع نقطه عطفی در تاریخ عربی پژوهی در غرب شد؛ زیرا جنبشی پدید آورد که در راستای آن نخستین پژوهش عمیق پیرامون زبان عربی در غرب گردید، و بعدها - یعنی وقتی که انسان‌مداری در اسپانیا در حال

ایتالیا به علت فضل تقدّمش با عنوان «عربی پژوهی در ایتالیا با آغاز قرن ۱۶» نخستین کشور مورد نظر مؤلف در این بررسی تاریخی بوده و بقیه کشورهای تأثیرگذار به ترتیب بررسی شده اند. تا آن جا که به شخصیت های مهم تاریخی مربوط می شود، تقریباً نخست در یک سطر یا بیش تر شخصیت علمی عربی دان مورد نظر را توصیف می کند و آن گاه به فعالیت های علمی او و چندو چون تأثیرپذیری وی می پردازد تا از این رهگذر جنبه های تأثیرگذاری وی را عالمانه بررسی کند. البته در پیشگفتار کتاب عنوان می کند که دیگران در تهیه زندگینامه عربی دانان به مؤلف یاری رسانده اند. وی به رسم حق شناسی از همه آنان تشکر نموده است. نحوه طرح و شرح مطالب در این کتاب به گونه ای است که خواننده احساس می کند این همه اطلاعات از تاریخ تفکر غرب به طور شسته و رفته نه جسته و گریخته در اختیارش قرار گرفته است.

علی رغم این نکته ها خواننده ممکن است گاه حسرت خورد که ای کاش این اثر سترگ در پایان دهه ۵۰ میلادی ویرایش می شد؛ زیرا شاهکارهای برخی از عربی دانان مورد بحث پس از چاپ کتاب فوک منتشر شدند که طبعاً در این کتاب هیچ اشاره ای به آنها نشده است؛ گو این که مؤلف در پیشگفتار تصریح می کند که هدف من در انتخاب عربی دانان اروپا عمدتاً آن دسته از کسانی بوده که اینک در قید حیات نیستند. در این راستا می توان به شاهکار کراچکوفسکی اشاره کرد:

کراچکوفسکی در لیتوانی (۱۸۸۳) به دنیا آمد؛ در شوروی سابق زندگی کرد و آثارش را عمدتاً به روسی نگاشت و این موجب شد گاه او را دانشمند روسی بیندارند؛ از بنیانگذاران اسلام شناسی و عربی پژوهی در اروپای شرقی و صاحب ۴۵۰ اثر علمی و نیز مترجم قرآن می باشد. شاهکار او به تاریخ گونه های مختلف متون جغرافیایی مسلمانان و سیر آن از نخستین اشاره های شعر جاهلی تا دوران حاضر با تکیه بر روش زبانشناختی می پردازد. وی با این کتاب، جای خالی یک زمینه بکر از مباحث فرهنگ جغرافیایی اسلامی را عالمانه پر کرده و خدمتی شایان به محققان مسلمان نموده است. البته کراچکوفسکی تصریح کرده است که «قلمرو نوشته های جغرافیایی اسلامی در کتاب من، منحصر به کشورهای عربی نیست، بلکه مطالب مهمی از همه کشورهای که نفوذ اسلام بدانجا رسیده در خود دارد.» این کتاب به زبان عربی و فارسی خوشبختانه ترجمه شده است، اما بدبختانه هیچ بررسی شایسته ای تاکنون آن طور که در شأن آن باشد در نشریات فارسی زبان صورت نگرفته است.

مرتضی رزم آرا.

شکل گیری بود به شکوفایی رسید و به دنبال آن یک قرن بعد، حروف چاپی عربی را به ارمغان آورد. از طرف دیگر، علاقه به انجیل و جنبه های شرقی آن که به دنبال جنبش اصلاح طلبی تشدید یافته بود عامل دیگری شد تا نسبت به عربی پژوهی عنایتی بیش تر مبذول دارند و از سوی دیگر راه را بر این قبیل تحقیقات هموارتر ساخت. اما این گرایش ها بیش از همه از طریق روابط سیاسی و اقتصادی قدرتمندان مسیحی با دولت های اسلامی فزونی یافت. از آغاز قرن ۱۷ هلند تقریباً به مدت دو قرن، طلایه دار جنبش عربی پژوهی بود. به دنبال عصر روشنگری، اندک اندک قضاوت درباره اسلام که با سقوط امپراتوری عثمانی دیگر خطری برای اروپا نداشت رنگ دیگری به خود گرفت و رهیافتی روشنگر نسبت به شناخت اسلام پدید آمد.

پس از آن که انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ به تحقق آرمان های عصر روشنگری جامه عمل پوشاند، این بار فرانسه بود که قدر برافراشت و پرچمدار عربی پژوهی شد تا هدایت آن را در اروپا بر عهده گیرد. البته باید خاطر نشان کرد که وقتی شرق شناسی در قرن ۱۹ از بالندگی چشمگیر و زاید الوصفی برخوردار شد، عربی پژوهی نیز بی نصیب نبود. در این راستا باید از نقد تاریخی نیز یاد کرد؛ زیرا علاوه بر عصر رمانتیک، جنبش نقد تاریخی نیز عمیقاً تأثیرگذار بود. در این جنبش، نگرشی خاص بر این مطلب وجود داشت که هر امری در هر زمان شدنی نیست و این سبب گردید تا هنگام کندوکاو در شخصیت های مهم تاریخی الزاماً به بررسی دقیق در محیط آن ها بپردازند و از این رهگذر به رهیافت نگرشی اجتماعی دست یابند که انسان ها نه به عنوان فرد، بلکه مرتبط با محیط بررسی کنند و بر پایه ویژگی های ارتباطات تاریخی در شناخت آن ها بکوشند.

مؤلف در این کتاب کوشیده است تا تمام این مراحل یاد شده در تاریخ تفکر عربی پژوهی را همراه با سیر تکاملی آن ها در غرب بررسی کند و در چارچوب مبارزه فرهنگی غرب با اسلام، آن ها را طرح و شرح نماید.

مطالب کتاب کلاً در ۸۶ مبحث فراهم آمده است که همگی حول محور عربی دانان تأثیرگذار، تصمیم گیری های مؤثر که منجر به یک رویداد فرهنگی در تاریخ تفکر عربی پژوهی شده اند و نیز سرزمین هایی که در تحول عربی پژوهی تأثیرگذار بوده اند، دور می زنند.

مؤلف با پتروس واجب التکریم و نخستین ترجمه قرآن در غرب به عنوان یک رویداد مهم فرهنگی شروع می کند و با فلسفه اسلامی و علوم عربی در آلمان پایان می دهد. وی تمام موارد یاد شده را به ترتیب تاریخی و با رویکرد علمی در بررسی تاریخی دنبال کرده است.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش، ۲۸۲ ص.

فهرست نسخه‌های خطی

کتابخانه انجمن آثار و

مفاخر فرهنگی

تهران

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۱۳۸۰

«انجمن آثار ملی» سابق که امروز «انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» خوانده می‌شود، مالک گنجینه‌ای از مخطوطات است که از رهگذر ابتیاع و اهدا فراهم آمده (ر. ل: ص ۳)، و اینک برای تعمیم اطلاع و انتفاع از این دست‌نوشته‌ها، فهرست آن‌ها را منتشر ساخته‌اند.

این فهرست که طی مدتی دراز به دست فهرست‌نگاران مختلف تنظیم و تدوین گردیده بوده، با اشراف و نظارت نهایی استاد سید عبدالله انوار سامان فرجامین خود را یافته (ص ۴، ۵ و ۱۷) و با مقدمه‌ای ممتع از خود استاد منتشر گردیده است.

استاد سید عبدالله انوار - که به حق از نوادر روزگار و بدائع زمانه بشمارند و بر علوم سنتی و سنت علمی اسلامی احاطتی کم‌نظیر دارند - در این مقدمه، مزایا و مختصات روش نگارش این فهرست را مجال طرح داده‌اند و همچنین پاره‌ای از انظار و آرای خود را در حوزه فهرست‌نگاری و کتابداری بازگفته‌اند که در مواردی خالی از تعقید یا اجمال مخمل هم نیست و ای کاش اندکی مشروح‌تر بیان می‌شد تا بیش‌تر مورد استفاده قرار گیرد.

استاد در این مقدمه پر نکته و فاضلانه، اتباع مقلدوار کور کورانه از شیوه «دیوینی» را در حوزه کتابداری و شماره‌گذاری در ایران، نکوهش کرده‌اند (ص ۵، ۷ و ۸) و همچنین از شیوه معقد پر احاله برخی از فهرس‌نسخ خطی که پاره‌ای آگاهی‌های مغلوط و بی‌سر و دم را با ایجاد هزار زحمت و دامن زدن به مراجعات بی‌فایده در اختیار خواننده می‌گذارند، انتقاد نموده‌اند (ص ۸ و ۹). حقیقت این است که خاستگاه بیش‌تر کاستی‌ها و کژی‌ها در کار فهرست‌نگاری نسخ خطی، گذشته از اهلیت نداشتن برخی از دست‌یازندگان بدین امر خطیر، بی‌ارج و کم‌اجر بودن آن در نظام آموزشی و پژوهشی است که فهرست‌نگار را مجبور می‌کند بدون صرف وقت و تبع و تعمق کافی به مشت‌داده‌های صحیح و سقیم اجمالی بسنده کند و از تفصیل کافی - در نگرش و نگارش - صرف نظر نماید.

فی‌المثل، در مورد نسخه‌ای از جنس جنگ و کشکول و ... که در مجموعه‌های نسخ خطی فراوان‌اند، کتابشناس و نسخه‌شناس فهرست‌نگار باید «یکایک صفحات آن را تحت مطالعه گیرد و مطالب مندرج در هر صفحه‌ای را به اختصار، ولی ... وافی، با ذکر صفحه، در فهرست خود درج کند. چه بسا اتفاق می‌افتد که مطلبی بس گرانها در درج جنگی منظوری است که اگر به آن اطلاعی حاصل نشود، موجب عدم اطلاع بر یک پدیدار مهم ذهنی بشر شود که این بی‌اطلاعی خود ذنب لایغفری است که «لا ینفعه الا الغافلون عن التحقیق» ... از جنگ‌ها که بگذریم همین استفرغ و سع در عرصه جنگ‌ها باید شامل حواشی نسخ شود؛ اعم از حواشی انتقادی یا حواشی توضیحی و تفسیری.» (ص ۱۲) و این همه، بی‌استثنا، مستلزم تبع و تعمق و صرف وقت است.

در فهرست نسخه‌های خطی فارسی و عربی کتابخانه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی اطلاعات کتابشناختی و نسخه‌شناختی بالنسبه مبسوط و سخاوتمندانه‌ای ارائه گردیده است که با برخی فهرس‌دیگر مطلقاً طرف‌سنجش نیست. لیک در این فهرست هم مواردی هست که مجمل یا مسکوت مانده ولی تبیین آن ضروری است. نمونه‌را، در معرفی ترجمه فارسی توحید مفضل (ص ۳۳) که ترجمه مشهوری به قلم علامه محمدباقر مجلسی (ره) دارد، باید تصریح شود که این ترجمه همان ترجمه مجلسی است یا ترجمه‌ای دیگر. در معرفی نسخه حسن و دل نوشته‌اند: «در نسخه چاپی، نویسنده سبیک نیشابوری معرفی شده است، ولی در پایان این نسخه چنین آمده: مخترع نظم و نثر این داستان اقل عباد فتاح نیشابوری غفر الله ذنوبه» (ص ۴۴)، و توجه نداده - و چه بسا خود نیز توجه نکرده - اند که «فتاحی» و «سبیک» و «فتاحی» هر سه شهرت نویسنده این رساله‌اند و تناقضی در کار نیست. ترغیب الصلاة را که فقه‌نامه‌ای پارسی است درباره نماز شناسانیده‌اند (ص ۶۷ و ۶۸) بی‌آن که حداقل تصریح شده باشد این اثر در فقه شیعه است یا اهل تسنن. نسخه‌ای از صفوة الصفای ابن بزّاز را که احتمالاً در سده دوازدهم کتابت شده است، معرفی کرده‌اند (ص ۱۶۵) بی‌آن که معلوم باشد این نسخه از تحریر سنیانه اصلی کتاب است یا از تحریر متشیعانه‌ای که در آغاز شهریاری صفویان فراهم آمد.

باری، این خرده‌گیری‌ها، تنها از سر کمال‌گرایی است که در مقدمه از خوانندگان توقع کرده‌اند؛ ورنه کیست که با تراث و تراث پژوهی سر و کار داشته باشد و از تدوین و نشر چنین فهرستی سپاسگزار نگردد؟

به جاست چند نسخه از نسخه‌های قابل توجه معرفی شده در این فهرست را یاد کنیم:

از راه استطراد، خاطر نشان کردنی است که یادداشت مهم و ارزشمندی از آقا جمال خوانساری بر روی یکی از نسخ این خزانه موجود است (ص ۱۸۸) که شایسته است تصویری روشنی از آن نیز در یکی از گاهنامه های علمی-مانند نامه انجمن که خود انجمن آثار منتشر می سازد- انتشار یابد.

* نسخه ای از تعلیقه فیض کاشانی بر صحیفه سجادیه (ع)، مورخ ۱۰۹۳ ق (یعنی بسیار نزدیک به زمان مؤلف) (ص ۱۸۰ و ۱۸۱).

* رشح السحاب فی شرح نظم الحساب از محسن بن محمد طاهر مورخ ۱۲۲۸ ق (احتمالاً به خط مؤلف) (ص ۱۹۳ و ۱۹۴).

در این فهرست گاه فوائد استطرادی و پراکنده ای در زمینه کتابشناسی قلم انداز گردیده که مسلماً آیندگان را در رقم زدن

تاریخ فرهنگ سود خواهد بخشید. نمونه را، یکجا که به مناسبتی از الفیه ابن مالک سخن رفته است، نوشته اند: «جلال الدین

سیوطی و جز او آن را شرح کرده اند و از بین آن شروح، شرح سیوطی به نام البهجة المرضیه در بین طلاب مشهور است، اما

به تازگی شرح ابن عقیل دارد جایگزین آن می شود.» (ص ۲۳۱ و ۲۳۲)

اگرچه نفس این اطلاع که شرح ابن عقیل جایگزین شرح سیوطی می شود، قدری جای اگر و مگر دارد (و گویا نظر نویسنده به «دانشگاه» بوده، و گرنه در حوزه ها که از بن

-مع الاسف- تدریس الفیه و شروح آن رو به کاهش دارد)، با این همه همین تذکرات کوچک استطرادی در آینده ای نه چندان دور

در شمار فرایده و فواید بزرگ کتابشناختی محسوب خواهند شد. نسخه های خطی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چندان زیاد

نیستند. در این فهرست از ۱۴۱ نسخه در بخش فارسی-که البته دو نسخه ترکی و کردی هم وارد این بخش شده اند- و ۵۱ نسخه

در بخش عربی یاد گردیده و ناگفته پیداست که بعض نسخ مورد اشارت شامل دو یا چند کتاب یا رساله هستند. باری، کیفیت

این مجموعه-به سبب احتوا بر پاره ای نسخ قدیم یا نادر- درخور عنایت است؛ افزون بر آن، این نسخه های خطی پاره های

بازمانده از حیات آبیگانه سان پدران ماست که بر سنگ گذر زمان فرو کوفته و شکسته شده است؛ اینک، این پاره ها خاطره سوک و

سرور و دار و مدار مردمان وادی خاموشان را با ما باز می گویند؛ پنداری، بهره موجود از حافظه مفقود تاریخی مایند.

در همین مجموعه مکتوبی هست از مولانا عبدالباقی تبریزی به میرزا ابراهیم همدانی که در آن می گوید: «من تفسیر بیضاوی

را به خط خود نوشتم و در عین علاقه مندی به آن مجبورم که آن را به فروش برسانم» (ص ۲۸)... اکنون، آن تفسیر بیضاوی

کجاست؟ ... هر کجا هست بس بیش بهاتر از آن است که مقومان خط و کاغذ و مرکب و شیرازه برآورد می کنند؛ زیرا گذشته از آن

* جنگ نظم و نثر از دوره قاجار که اطلاعات ذی قیمت فراوان -به ویژه از تاریخ اجتماعی اصفهان- به دست می دهد (ص ۲۲-۲۴).

* کلیات ابن حسام خوشفی مورخ ۸۹۹ ق (ص ۳۰-۳۲).

* جنگ اشعار عربی با ترجمه فارسی که به دست شیخ عبدالرحمن دبیری ترجمه گردیده و برای احتشام السلطنه،

حکمران کردستان، استنساخ شده است. این جنگ برخی از مشهورترین اشعار عربی را که نوعاً ادبا و فضیلا ما با آن سر و

کار دارند-مانند معلقات سبع و قصاید سبع علویات ابن ابی الحدید و لامیه العرب و لامیه العجم و خمیه ابن فارص-

داراست، ولی متأسفانه بنابر گفته خود کاتب نسخه ای است مغلوط (ص ۱۳۰ و ۱۳۱).

* مجموعه ادبی بازمانده از نیمه نخست سده نهم که مشتمل بر آثار ادبی مختلف از سده های هشتم و نهم هجری است (ص ۱۳۳-۱۳۶).

* نسخه کهن مجمل الحکمه (فشرده رسائل اخوان الصفا به فارسی)، به خط نسخ قدیم و احتمالاً از سده هفتم.

* نسخه ترجمه شرح اربعین شیخ بهایی (ترجمه قطب شاهی به قلم خاتون آبادی) مورخ ۱۰۷۲ ق (یعنی بسیار نزدیک به زمان

ترجمه آن به قلم خاتون آبادی) (ص ۱۴۸).

* ترجمه زهر الربیع به قلم یکی از احفاد سید نعمه الله جزائری (یعنی: نورالدین محمد جزائری) در سده سیزدهم (ص ۱۶۳).

* مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری مورخ ۱۰۶۳ ق. (یعنی با فاصله ای تقریباً پنجاه ساله از پایان تألیف) (ص ۱۵۸).

* نسخه عالم آرای عباسی اسکندریک منشی، مورخ ۱۰۶۰ ق. (یعنی با فاصله ای اندک از روزگار تألیف) (ص ۱۷۱ و ۱۷۲).

* نسخه نفیس هنری لیلی و مجنون نظامی گنجوی به خط نستعلیق بسیار خوش میرعماد حسنی-که در ظهر صفحه آخرش

مطالبی به قلم ابوعلی محمد قدسی حسینی شیرازی در ستایش و بیان محاسن این کتاب آمده و او نیز تأیید کرده است که خط کتاب،

خط میرعماد حسنی می باشد. همچنین علی نقی نامی کتابت نسخه را به خط میرعماد تصدیق نموده است. (ص ۱۷۲-۱۷۵).

جای آن دارد برخی مؤسسات دولتی که هزینه هایی برای چاپ پاره ای رنگین نامه ها بر باد می دهند و با اهدا ناسنجیده و

بی برنامه آن رنگین نامه های نخواندنی، سرمایه های ملی را تلف می کنند، این نسخه و امثال آن را که معرف هنر و ادب ارجدار

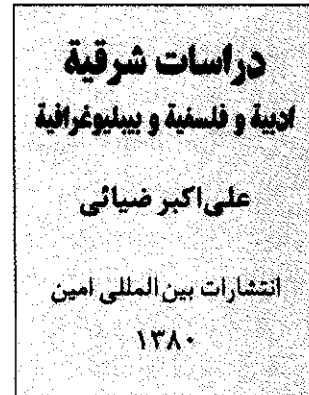
ماست، عیناً و با بهترین کیفیت چاپ و نشر نمایند. چه بهتر بود که خود انجمن آثار و مفاخر فرهنگی نیز صفحاتی

از زیبا نوشته میرعماد را در همین فهرست چاپ می نمود و بر زیب و رونق و فائدت آن می افزود.

که تفسیر قرآن کریم است و تفسیر قرآن با زرد و سپید زر و سیم طرف نسبت نیست، آمیزه‌ای از عواطف و دلبستگی‌های فرهنگی و بشری است که سیمای سواد و بیاض به خود گرفته و در عین گویایی، خاموشی پیشه کرده!

جو یا جهان بخش

دراسات شرقیه: ادبیه و فلسفیه و بیبلیوگرافیه، علی اکبر ضیائی، چاپ اول، تهران: انتشارات بین المللی امین، ۱۳۸۰ ق/ ۱۳۲۲ ق/ ۱۳۸۰ ش.



اخیراً مجموعه‌ای موجز و کوتاه، و -بالتبع- چابک و دلخواه، از مقالات آقای علی اکبر ضیائی را، زیر نام دراسات شرقیه در یکی از کتابفروشی‌های تهران ابداع کردم که نه خیر انتشار آن را جایی خواننده بودم و نه وصف آن را از کسی شنیده. این، بیش و کم، سرنوشته بیشترینه کتاب‌هایی است که در ایران به زبان عربی منتشر می‌شوند: ماندن در گنج برخی کتابفروشی‌ها و انبارهای مراکز انتشاراتی و نرسیدن به دست خوانندگان و خوانندگان. پس شاید قلم‌انداز کردن سظوری چند در توصیف دراسات شرقیه، کم‌ترین شکرانه اطلاع و بهره‌وری از آن و مایه تنبیه و تحریض خوانندگان محترم این یادداشت به مقالات سودمند گرد آمده در این کتاب باشد.

آن‌گونه که از مقدمه آقای ضیائی برمی‌آید، این مقاله‌ها در خلال سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۰ میلادی و در زمان اقامت نویسنده محترم در تهران و قم و سوریه و لبنان و آلبانی به قلم آمده‌اند و هر یک با گوشه‌ای از فعالیت‌های علمی و فرهنگی وی در پیوندند. (ص ۷-۱۰)

نخستین مقاله مجموعه (ص ۱۱-۱۹)، «مفهوم الفناء والمعرفة عند نعیم فراشری» است. این مقاله، تفسیری است از چهار بیت فارسی از کتاب تخیلات شاعر آلبانیایی نامبرده (چاپ شده در استانبول به سال ۱۳۰۱ ق).

آن چهار بیت از این قرارند:

بلبلا! خاموش باش و دم مزن
نزد گل بنشین و [پر] بر هم مزن

تا کند هوشم سفر سوی سما
تا شود در عشق راز او فنا
تا بخوانم ثم وجه الله را
تا بیاید چشمم آن درگاه را
خود ندانم بعد ازین من چیستم
بعد ازین من نیستم من نیستم (ص ۱۱)

به عقیده آقای ضیائی در این ابیات، معانی دقیق و ظریفی است که آشنایان به شالوده‌ها و رازهای فلسفه اشراقی آن را درمی‌یابند (ص ۱۲).

دومین مقاله (ص ۲۱-۲۶)، «نظرة علی التراث الاسلامی الفارسی فی آلبانیا» است که بخش مهمی از آن را گزارش اجمالی تاریخ آلبانی به خود اختصاص داده است. از نکات قابل توجه در این بخش، مطلبی است که در باب گرایش‌های متشیعانه در آلبانی نوشته‌اند. آقای ضیائی می‌گوید: می‌توان ادعا کرد که مسلمانان اهل تسنن نیز از طریقت‌های صوفیانه دوستدار اهل بیت (ع) اثر پذیرفته‌اند. از این جا است که ملاحظه می‌کنیم مسلمانان آلبانیایی به طور عام در مراسم سوگواری حسینی شرکت می‌کنند و به حضرت ابوالفضل عباس (ع) (یا چنان که خود می‌گویند: عباس علی) ادای احترام می‌نمایند؛ به زیارت کوه «عباس علی» که از مهم‌ترین اماکن مقدس نزد ایشان است می‌روند و معتقدند روح حضرت عباس (ع) پس از عاشورا و شهادت آن حضرت در واقعه کربلا، در این کوه که به نام کوه «تمور» نامبردارست، جای گرفته. (نقل به مضمون از: ص ۲۲).

فتح آلبانی به دست ترکان عثمانی، زمینه مهاجرت و انتقال شمار کثیری از دستنوشته‌های اسلامی را به آن سامان فراهم آورده است و امروز این نسخه‌ها که از سال ۱۹۵۰ م انتقالشان به کتابخانه ملی در تیرانا آغاز شده، گنجینه مهمی از دستنوشته‌های عربی و فارسی و ترکی را تشکیل می‌دهند. محمودارناؤوط فهرست نه‌چندان دقیقی از شماری از دستنوشته‌های عربی کتابخانه فراهم ساخته است. (ص ۲۴)

کتابخانه ملی در تیرانا صاحب ۳۷۳ دستنوشته عربی و ۵۸ دستنوشته فارسی است که از نسخ فارسی آن، آثار سعدی و حافظ و عرفی و قاسم انوار و چهارستان جامی و پندنامه (منسوب به) عطار یادکردنی‌اند. (ص ۲۵ و ۲۶)

مقاله سپسین (ص ۲۷-۳۶)، «العلویون النصیریون و المستشرقون الفرنسیون» نام دارد. نویسنده در این مقاله به گزارش چرایی و چگونگی توجه فرانسویان به فرقه «نصیریه» و زندگانی ایشان در سوریه می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه استعمارگران فرانسوی به قصد تجزیه این سرزمین و تضعیف قدرت مسلمانان به شناسایی دقیق فرقه‌های ساکن در آن اقلیم، من جمله: نصیریه،

محمد مغربی بین سال‌های ۱۰۱۴ و ۱۰۱۵ ق کتابت شده و در مکتبه الاسد نگاهداری می‌شود.

۶. الرسالة المفضلیة والانکال علی باری البریة: این رساله که به عنوان «روایت مفضل بن عمر جعفی» شناسانیده شده، به نظر آقای ضیایی، از امام صادق (ع) نیست و ساختگی است و در آن آرای غربی هست که با آرا و اندیشه‌های امام صادق (ع) تناسبی ندارد.

دستنوشته مورد شناسایی آقای ضیایی، نسخه بدیع بن عبد الحمید محمد آل غانم است که به سال ۱۳۸۳ ق کتابت شده.

۷. الصراط: این اثر هم که به عنوان «روایت مفضل بن عمر جعفی» شناسانیده شده است، به عقیده آقای ضیایی، از امام صادق (ع) نیست. به گفته ایشان، چه علمای شیعه و چه غیر ایشان این رساله را در شمار آثار آن حضرت یاد نکرده‌اند و در آن باورهای غربی چون تناسخ و مسخ و... آمده که با آرای امام صادق (ع) سازگار نیست، و احتمالاً در همین اواخر جعل گردیده است.

دستنوشته مورد شناسایی آقای ضیایی، نسخه شعبان بن فاضل است که به سال ۱۳۸۴ ق کتابت شده.

۸. الهفت والأظلة یا الهفت الشریف- که به نام الاشباح والأظلة نیز خوانده شده است- این اثر هم که به عنوان «روایت مفضل بن عمر جعفی» شناسانیده شده، به نظر آقای ضیایی، از امام صادق (ع) نیست و در آن آرای غربی آمده که با آرای امام صادق (ع) نمی‌سازد و معتقدات باطنی گرایانه و خرافات مندرج در آن مورد قبول هیچ شیعی راست کیش نیست.

این کتاب که -به گفته آقای ضیایی- دستنوشته‌های آن جز در سوریه یافت نمی‌شود، تاکنون دوبار (یک بار به اهتمام عارف تامر و بار دیگر به کوشش مصطفی غالب) چاپ شده است.

مقاله سپسین آقای ضیایی (ص ۶۹-۷۸) «قراءة فی کتاب: رسالة فی تحقیق تعریب الکلمة الاعجمیة» نام دارد.

نویسنده این اثر که آقای ضیایی مورد بحث و معرفی قرار داده‌اند، شمس الدین احمد بن سلیمان بیک ابن کمال پاشا، مشهور به «ابن کمال پاشا» یا «کمال پاشا زاده» ۸۷۳-۹۴۰ ق می‌باشد که از عالمان و مفتیان حکومت عثمانی بشمارست و در فقه و تفسیر و حدیث و لغت دست داشته (ص ۶۹-۷۱).

یکی از آثار او که احتمالاً برخی از هموطنان ما دیده‌اند و می‌شناسند، ترجمه عربی کتاب رجوع الشیخ الی صباه است ا باری او به سبب آگاهی مبسوطی که از سه زبان عربی و فارسی و ترکی داشته، رساله فی تحقیق تعریب الکلمة الاعجمیة را نوشته و در آن در باب چیستی تعریب و واژگان معرب فارسی و... توضیح داده است.

چاپی که مورد ملاحظه آقای ضیایی بوده، به تصحیح محمد سواعی از سوی «المعهد العلمی الفرنسی للدراسات العربیة» به

پرداختند و خاورشناسی فرانسوی قدم به قدم کوشیده است به تحقیق در باب نصیریان پردازد. مطالعه این مقاله علی‌الخصوص برای کسانی که می‌خواهند از آثار مستشرقان در باب نصیریان، استفاده کنند، ضرورت دارد؛ زیرا تا حدودی جویندگان را به ایستارهای مختلف مستشرقان در برابر این فرقه و قابل اعتماد یا غیر قابل اعتماد بودن منابع خاورشناختی آشنا می‌سازد.

مقاله چهارم (ص ۳۷-۵۳)، «فهرست المخطوطات فی مکتبات اللادقیة الخاصة» نام دارد و در حقیقت شامل معرفی اجمالی نه دستنوشته از دستنوشته‌های آثار «عبدالفتاح المحمودی الشافعی الخلوتی» شاعر و پسرش «حسن افندی» است.

عنوان مقاله پنجم (ص ۵۵-۶۵) «المؤلفات المخطوطة والمطبوعة للإمام الصادق (ع) فی سوریه» است.

نویسنده در این مقاله به معرفی هشت اثر از آثار منسوب به حضرت امام جعفر صادق (ع) که در بررسی کتابخانه‌های عمومی و خصوصی سوریه بدان‌ها باز خورده است، پرداخته:

۱. خواص القرآن الکریم یا منافع القرآن: آقای ضیایی دو دستنوشته از این اثر را که هر دو متعلق به کتابخانه‌های ظاهریه (و محفوظ در مکتبه الاسد) است، شناسانیده و خاطر نشان کرده است که این کتاب از امام صادق (ع) نیست، بلکه مجموعه‌ای از روایات در باب منافع قرآن است که پس از نیمه دوم سده چهارم هجری گردآوری شده.

۲. صحائف الامام الصادق (ع): آقای ضیایی که یک نسخه از این اثر را (محفوظ در مکتبه الاسد) شناسانیده است، از صحت نسبت آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و یادآور می‌شود که عالمان ما -مانند مرحوم سید محسن امین در اعیان الشیعه و شیخ آفتابزرگ تهرانی در الذریعه- این اثر را یاد نکرده‌اند.

۳. ذکر مناظرة جعفر الصادق لبعض الشیعة فی التفضیل بین ابی بکر و علی (ع): آقای ضیایی گفته است که این مناظره در مصنفات شیعه مذکور نیست و نسبت آن نیز به امام صادق (ع) نادرست است، زیرا با نظر آن حضرت در باب امامت نمی‌خواند. نسخه آن که در مکتبه الاسد محفوظ است، سماع سال ۵۸۸ هجری دارد؛ لذا باید قبل از این تاریخ تألیف شده باشد.

۴. رساله یعلم منها اختیارات الأيام النحسة والجيدة: آقای ضیایی جداً بعید می‌داند که چنین رساله‌ای از امام صادق (ع) باشد. دستنوشته رساله در مکتبه الاسد نگاهداری می‌شود.

۵. رساله لجعفر بن محمد الصادق (ع) فی الکیما: آقای ضیایی می‌گوید: «ما سندی برای نسبت این رساله به امام صادق (ع) نیافتیم و گویا این رساله تصنیف یکی از شیعه به روایت از آن حضرت باشد». نسخه این رساله -که دستنوشته دیگر از آن را بروکلیمان در کتابخانه نور عثمانیه ترکیه شناسانیده است- به خط احمد بن

سال ۱۹۹۱ م در دمشق انتشار یافته.

آقای ضیایی اشکالاتی بر ماتن و مصحح گرفته اند (که البته شاید کاملاً هم وارد نباشد؛ مثلاً در مورد شماره ۱۰، ص ۷۷ می توان احتمال داد «رکیب» ممال «رکاب» باشد)؛ با این همه خاطر نشان کرده اند که این رساله واجد اهمیت است و مصحح نیز برای ساماندهی متن موجود زحمت فراوان کشیده.

به هر روی، توصیفات آقای ضیایی آب به دهان کسانی می آورد که طالب این گونه آگاهی ها هستند و ما آرزو می کنیم یکی از ناشران دولتی - به جای برخی منشورات دانم و دانی ۱ - این کتاب را عیناً در ایران افست کند.

مقاله دیگر (ص ۷۹-۱۱۴) «دور الإمام الخمينی (ره) فی إحياء الفكر الفلسفی» است. نویسنده در این مقاله، به پیشینه فلسفه، سیر فلسفه در جهان اسلام، فلسفه در عصر امام راحل، تحویلات فلسفی امام و نقش آن عالم بزرگوار در احیای اندیشه فلسفی و فلسفه خوانی در حوزه های علوم دینی، نگاه امام به ادوار و مکاتب مختلف فلسفه، و اندیشه های فلسفی خود امام پرداخته است. در میان این معانی مباحث مهم دیگری نیز از قلم آقای ضیایی تراویده که نشان دهنده باریکی بینی و استقامت رأی صاحب قلم است. اشاره به اخباری گری معتدل در میان برخی از محدثان شیعی سده های سوم و چهارم که امثال شیخ مفید و سید مرتضی با آن مقابله کردند و بار دیگر پس از سده دهم هجری زورمندانه سر بر کشید (ص ۱۰۵) و تنبیه به اهمیت میراث کلامی و فلسفی مسلمانان و لزوم توجه اندیشه گران امروز به آن (ص ۹۸ و ۹۹) و اشاره به خطر طرح نگره های عقایدی نو در مجامع عمومی و دانشجویی پیش از تنقیح و اثبات آن ها (ص ۹۸)، از این شمارند.

برخی از آرا و انظار نویسنده نیز نیازمند تبیین و مستندسازی بیش تر است. نمونه آن، باور به بهره جویی استعمارگران از اخباری گری است به نحوی که در جامعه شیعه، وظیفه ای مانند و هابی گری در میان اهل تسنن ایفا کند! (ص ۱۰۴)

مطلبی هم که درباره نامه امام به گورباچف نوشته اند و در آن توضیح داده اند که چرا آن فقیه ربانی و عالم صمدانی، رهبر شوروی را به مطالعه آثار کسانی چون صدرالمتهلین و ابن عربی فراخوانده و مستقیماً به آثار و اخبار خود اهل بیت عصمت و طهارت (ع) رهنمون نشده (ص ۱۰۳ به بعد)، به نظر می رسد که می تواند پخته تر و مستدل تر و همچنین روشن تر و روشنگرتر به قلم آید و مورد بازخوانی و بازاندیشی قرار گیرد.

خاطره ای نیز که از حضرت آیه الله سید عزالدین زنجانی درباره آمدن امام به قم و تدریس اسفار نقل کرده اند (ص ۸۹) بنده طی مصاحبه ای که «سیما» با آن عالم فرزانه انجام داده بود و چندی پیش پخش شد، از لفظ مبارک خودشان شنیدم و تا جایی

که به یاد دارم درباره علامه طباطبایی بود، نه امام راحل و حتی آیه الله زنجانی تصریح فرمودند که علامه طباطبایی حواشی خودشان را بر نسخه اسفار ملکی من می نوشتند و آن نسخه و حواشی آن به خط علامه اکنون در کتابخانه ما موجود است ...

نهمین مقاله آقای ضیایی (ص ۱۱۵-۱۲۸) «عالم الکلام ابواسحاق ابراهیم بن نویخت و آثاره» نام دارد.

آقای ضیایی که سال ها پیش برای نخستین بار الیاقوت ابن نویخت را (در سلسله منشورات کتابخانه آیه الله العظمی مرعی نجفی در قم) انتشار دادند، اجمالاً در این مقاله به نقد حال و گزارش آرا و آثار ابن نویخت پرداخته اند. مع الاسف پی نوشته های ۲۶-۲۸ از این مقاله در چاپ افتاده است (و از قضا پی نوشت های مهمی هم هست) که باید در تجدید طبع اصلاح گردد.

عنوان واپسین مقاله مجموعه (ص ۱۲۹-۱۵۱) «اثر الاسلام فی تطویر الخطابه» است. نویسنده در این مقاله به پایگاه خطابه در جامعه صدر اسلام و اثر بلیغ قرآن و حدیث بر صورت و سیرت خطابه پرداخته و موضوعات و خصایص خطابه ها را در آن روزگاران و نیز پیوند خطابه را با شؤون مختلف حیات مسلمانان آن روزگار بررسیده است و به معرفی خطیبان نامدار صدر اسلام دست یازیده است.

این مقاله در نوع خود خواندنی و مشتمل بر پاره ای گفتاوردهای ترائی کرامندست. هر چند - متأسفانه - در تطبیق شماره های پی نوشت با متن - ظاهراً - خطایی رخ داده که باید اصلاح شود.

دراسات شرقیه آقای ضیایی - چنان که پیش از این هم گفتم - مجموعه ای خواندنی است.

مقدمه نویسنده نشان می دهد که وی مدتی از کار گزاران فرهنگی دولت ما در خارج از کشور بوده است و برخی از این گفتارها، دستاوردهای آن روزها از حیات اوست. باید امید داشته باشیم دولت این گونه کسان را که از دانش و فرهنگ توشه دارند، به چنین مأموریت هایی گسیل دارد تا هم در آن بلاد آبروی فرهنگی این کشور را پاس بدارند و هم از مخطوطات و اسناد فرهنگی اسلام و ایران که در اقصی نقاط جهان پراکنده است، کسب خبر کنند و بر دانش و بینش و اطلاع و ذخایر علمی ما بیفزایند.

همان یک مقاله مطول از خزاین ترکیه که مجتبی مینوی پس از بازگشت از ترکیه قلمی کرده و به طبع رسانده و از آثار قلمی ماندگار در حوزه تراث پژوهی است، بی گمان، بر کارنامه شغلی برخی از مأموران سابق و لاحق کشور ما در بلاد عالم، شرف و ترجیح دارد! ای کاش کار گزارانی مانند آقای ضیایی بسیار باشند و مانند

دراسات شرقیه در این اقلیم بسیار از چاپ برآید. ان شاء الله

جبریل شادان